

سر سجاد

کاری از گروه تولید منقاری شید سیدم

بازخوانی نقش حادانه های فاطمه در تقویت پیوندهای اجتماعی







سنة

شبكة من العلاقات الإنسانية



زیر سایه مادر

بازخوانی نقش مادرانه‌های فاطمی در تقویت پیوندهای اجتماعی

کاری از:

گروه تولید محتوای شهید سلیمانی رحمته‌الله‌علیه



جهت دانلود نسخه دیجیتال کتاب، شنیدن صوت توضیحات و مطالعه سیر خلاصه نموداری همه جلسات، اسکن کنید.



زیر سایه مادر

بازخوانی نقش مادرانه‌های فاطمی در تقویت پیوندهای اجتماعی

به سفارش: اداره کل امور مبلغین سازمان تبلیغات اسلامی

کاری از: شبکه ملی تولیدکنندگان محتوای تبلیغی «هم قلم»

گروه تولید محتوای شهید حاج قاسم سلیمانی علیه السلام

پژوهشگران: سید محمدعلی موسوی زاده، محمد جبله، احمد زارعی

علی آب انباری، رضا زندوکیلی

ویراستار: حسین حبیبی فهیم

مدیرهنری: محمد صادق صالحی

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۲ شماریگان: ۳۰۰ نسخه قیمت: ۱۱۰,۰۰۰ تومان



سازمان تبلیغات اسلامی

سامانه شمع

shabaketabligh.ir

مرکز پخش کتب شبکه ملی «هم قلم»

آدرس: قم، بلوار امین، کوچه ۸، فرعی سوم، پلاک ۲

ایتای اداره راهبری: <https://eitaa.com/rahbary-mohtava>

شماره تماس: ۰۲۹۱۳۰۰۳۲۲ داخلی ۴



برای عضویت در کانال «هم قلم» اسکن کنید

۱۱	درآمد
۳۱	مقدمه
۳۴	زیر سایه مادر
۴۳	معرفی اجمالی سیر جلسات
	جلسه اول
۴۹	مادر تمام عالم
۵۱	فرشته‌ای در شعب
۵۴	چرا «أمّ أبیها»؟
۵۵	مادر تمام مؤمنین
۵۶	در قیامت هم دست به دامان مادریم
۶۰	حلقه وصل امامت و رسالت
۶۱	چادرت را بتکان!
۶۲	به نام مادر!
۶۴	علامه امینی <small>رحمته الله</small> زیر سایه مادر
۶۶	خود را زیر سایه‌اش قرار دهیم
۶۹	برایمان مادری کن
	جلسه دوم
۷۳	ظلم خاموش!
۷۵	عجب احترامی
۷۷	این همه احترام در کدام دوره از زمان؟!
۷۷	دل سنگ آب می‌شود
۷۸	ظلم‌های جاهلیت اولی به زن
۸۰	طلوع اسلام و هویت‌بخشی به زن
۸۰	فمینیسم، ظلم مجدد به زن
۸۱	صعود یا سقوط
۸۲	پارادوکس خوشبختی
۸۳	وزارت تنهایی

- ۸۴ آزادی زن در اسلام
- ۸۹ برای دیدن او اذن می‌گرفت!
- جلسه سوم**
- ۹۳ ما مدعی هستیم!**
- ۹۵ پناهی جز حضرت زهرا علیها السلام نداشتیم
- ۹۷ سردار زهرایی
- ۹۸ رزق سال کشور
- ۹۹ ظلم جاهلیت اولی و مدرن به زن
- ۹۹ طلوع مجدد اسلام در سال ۵۷
- ۱۰۱ دوران سیاه پهلوی
- ۱۰۲ زندان تاریک کشف حجاب
- ۱۰۴ قلعه شهر نو
- ۱۰۶ همچون تفاله
- ۱۰۷ زن از دیدگاه امام خمینی ره
- ۱۰۹ زن از دیدگاه مقام معظم رهبری ره
- ۱۱۰ ما مدعی دنیا هستیم!
- ۱۱۱ شهیده مقاومت
- ۱۱۲ الگوی سوم زن
- ۱۱۳ من زنده‌ام
- ۱۱۴ دامن به جای بمب!
- ۱۱۷ دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه زن
- ۱۱۸ مجروح، همچون مادر
- ۱۲۱ در کوچه‌ها کتک خوردند!
- جلسه چهارم**
- ۱۲۵ زن اگر مادر باشد!**
- ۱۲۷ ملاقاتی از جنس مادری
- ۱۲۸ کمال زن به مادری است
- ۱۳۰ حیلۀ دشمن

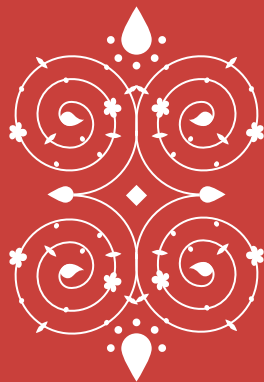
- ۱۳۱ مادری در کلام بزرگان
 ۱۳۴ به لجن کشیدن جامعه، با تخریب مادر
 ۱۳۵ مأموران تغییر
 ۱۳۶ مقام مادری یا منفعت مادری؟
 ۱۳۷ شغل شریف مادری
 ۱۳۸ لذت مادری
 ۱۳۹ کدام معیار؟
 ۱۴۱ عامل آرامش
 ۱۴۲ مادر پرمنفعت‌ترین موجود هستی
 ۱۴۲ مادران شهدا
 ۱۴۳ مادری به وسعت کرهٔ خاکی
 ۱۴۴ دیدی آخر علی از پا افتاد؟!

جلسه پنجم

- ۱۴۷ مادر اگر مادر باشد!**
 ۱۴۹ ملاقات زنان مدینه با حضرت زهرا علیها السلام
 ۱۵۰ حضرت زهرا علیها السلام ایجاد کننده ولاء طرفینی
 ۱۵۲ چرا مادر؟
 ۱۵۲ مادر، مأمور تغییر
 ۱۵۴ مادرانه‌های یک مادر
 ۱۵۵ معجزهٔ مادری
 ۱۵۶ مادری با چنگ و دندان
 ۱۵۷ مادرانه‌های یک مادر در خانواده
 ۱۵۹ مادرانه‌های یک مادر در جامعه
 ۱۶۰ مادری برای جامعه
 ۱۶۲ خانه علی از هم پاشید!

۱۶۵ کتابنامه

۱۶۹ معرفی کتب



سلامی برای مادر

«زیارت نامه حضرت زهراء علیها السلام»

بسم الله الرحمن الرحيم

يَا مُتَحَنَّةً اُمْتَحَنَكَ اللهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ فَوَجَدَكَ لِمَا
اُمْتَحَنَكَ صَابِرَةً، وَرَعَمْنَا أَتَاكَ أَوْلِيَاءُ وَمُصَدِّقُونَ وَصَابِرُونَ لِكُلِّ
مَا أَتَانَا بِهِ أَبُوكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَتَى بِهِ وَصِيَّهُ، فَإِنَّا نَسْأَلُكَ
إِنْ كُنَّا صَدَقْنَاكَ إِلَّا الْحَقِّنَا بِتَصَدِيقِنَا لِهَمَّا لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا بِأَنَّا قَدْ
طَهَّرْنَا بِوَلَايَتِكَ

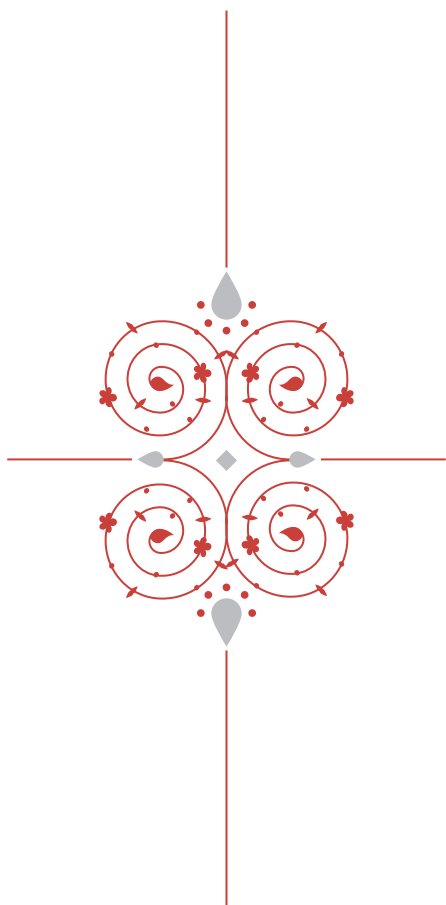
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ نَبِيِّ اللهِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَلِيلِ اللهِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ صَفِيِّ اللهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَمِينِ اللهِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ خَلْقِ اللهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَفْضَلِ
أَنْبِيَاءِ اللهِ وَرُسُلِهِ وَمَلَائِكَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللهِ وَخَيْرِ الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللهِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْحِجَّةِ،
 السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الصِّدِّيقَةُ الشَّهِيدَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا
 الرَّضِيَّةُ الْمُرْضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْفَاضِلَةُ الرَّزِيَّةُ، السَّلَامُ
 عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْحَوْرَاءُ الْإِنْسِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ،
 السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمُحَدَّثَةُ الْعَلِيْمَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا
 الْمَظْلُومَةُ الْمُغْصُوبَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمُصْطَهَدَةُ الْمُفْهُورَةُ،
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، صَلَّى
 اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ

أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضِيَّتِ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ، وَأَنَّ مَنْ سَرَّكَ فَقَدْ سَرَّ
 رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ جَفَاكَ فَقَدْ جَفَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ أَذَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،
 وَمَنْ وَصَلَكَ فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَنْ قَطَعَكَ
 فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِأَنَّكَ بَعْضَةٌ مِنْهُ وَرُوحُهُ
 الَّذِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ، أَشْهَدُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَلَائِكَتُهُ أَنِّي رَاضٍ عَمَّنْ
 رَضِيَ عَنْهُ، سَاخِطٌ عَلَى مَنْ سَخِطَ عَلَيْهِ، مَتَّبِعِي مَنْ تَبِعَاتِ
 مِنْهُ، مُوَالٍ لِمَنْ وَآلِيَّتِ، مُعَادٍ لِمَنْ عَادَيْتِ، مُبْغِضٌ لِمَنْ أَبْغَضْتَ،
 مُحِبٌّ لِمَنْ أَحْبَبْتَ، وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً وَحَسِيباً وَجَازِياً وَمُشِيباً



درآمد



«إِنَّ الْمُؤْمِنَ مُجَاهِدٌ بِسَيْفِهِ وَلِسَانِهِ»

جهاد تبیین و راهبرد «نشر خوبی‌ها»

جهاد تبیین؛ رویکرد محوری عملیات‌ها با هدف امیدآفرینی

جمهوری اسلامی ایران در ادامه بعثت انبیا، با برافراشتن پرچم عدالت و معنویت، روز به روز با قدرت بیشتر به حرکت خود ادامه می‌دهد؛ به همین دلیل است که دشمن، برای متوقف کردن این حرکت عظیم توحیدی و سرنگون کردن نظام اسلامی، تمام خباثت خود را رو کرده است. رفع دشمنی او نیز بنا بر نظر برخی، تنها به این است که دست از حرکت برداریم و به همان چیزی که آن‌ها می‌خواهند، بازگردیم؛ یعنی عبودیت و پیروی از طاغوت.

اما امروز چالش دشمن با جبههٔ حق آسان نیست؛ به همین دلیل جبههٔ دشمن دست به یک تهاجم ترکیبی زده است؛ تهاجمی که همه عرصه‌های سیاسی، دیپلماسی، امنیتی، فرهنگی، اجتماعی، رسانه‌ای

و اقتصادی را درگیر کرده است. هدف دشمن این است که ذهنیت مردم را نسبت به نظام اسلامی بدبین و آلوده کند، چون راز پیروزی انقلاب اسلامی را فهمیده است. این راز، اعتقاد و ایمان مردم است. دشمن می‌خواهد این ایمان را از بین ببرد. این‌که مردم را ناامید کنند، مردم را بدبین کنند، اعتماد به نفس مردم را بگیرند و آینده را تاریک نشان بدهند. رهبر معظم انقلاب علیه السلام برنامه دشمن را برای ضربه زدن به نظام اسلامی این‌گونه به تصویر می‌کشد:

با نگاه من، آن‌طور که بنده اوضاع را مشاهده می‌کنم، دشمن ملّت را هدف گرفته؛ افکار عمومی را هدف گرفته؛ فکر جوان‌ها را هدف گرفته؛ میلیاردها دلار دارند خرج می‌کنند در این اتاق‌های فکرشان - به اصطلاح خودشان اتاق‌های فکر و گروه‌های اندیشه‌ورز- دارند تلاش می‌کنند برای این‌که ملّت ایران را و به خصوص جوان‌ها را از این راه برگردانند و وسیله‌ای که آن‌ها دنبال می‌کنند، فعلاً دو وسیله است: **یکی فشارهای اقتصادی است**، برای این‌که مردم را به تنگ بیاورند و از نظام اسلامی جدا کنند، **یکی هم لجن‌پراکنی است**.^۱

بله، هدف دشمن ناامید کردن مردم و ناکارآمد جلوه دادن نظام اسلامی است. هدف این است که ملّت ایران امیدش را از دست بدهد. هدف، تضعیف روحیهٔ مردم و وضعیف کردن نشاط و تحرّک و امید مردم است. رهبر معظم انقلاب علیه السلام در بیانات راهبرانه و رهنمودهای حکیمانهٔ خود، با بر ملا کردن نقشهٔ دشمن، راهبرد جهاد تبیین را برای مقابله با این حرکت دشمن، به عنوان فریضه‌ای قطعی و فوری برای همه مردم مشخص کردند. بی‌تردید تنها راه پیروزی جبهه انقلاب و شکست

۱. بیانات در ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی، ۲۸ بهمن ۱۴۰۰، دسترسی در: <https://khl.ink/f/49633>.



دشمن، جامه عمل پوشاندن به فرموده‌های رهبر معظم انقلاب علیه السلام و نقش آفرینی همه نهادهای حکومتی و مردمی در عرصه جهاد تبیین است.

به همین منظور، سازمان تبلیغات اسلامی با لبیک به فرموده رهبر معظم انقلاب علیه السلام و مقابله با دشمن در این عرصه، «جهاد تبیین» را وظیفه اصلی خود دانسته، از مسیر نشر خوبی‌ها به دنبال پیاده‌سازی برنامه‌هایی امیدآفرین است.

نشر خوبی‌ها، مدخل جهاد تبیین

نقطه تمرکز دشمن در جنگ شناختی امروز، برجسته‌کردن نقاط ضعف و پرکردن چشم‌ها و ذهن‌ها از کژی‌ها و کاستی‌های موجود است تا مردم را ناامید کند و با ایجاد اختلال در نظام محاسبه مردم، امکان عزم برای تغییر وضعیت را هر روز محدودتر و دورتر از دسترس گرداند.

نشر خوبی‌ها، دقیقاً در نقطه مقابل این طرح کلان دشمن، قد برافراشته و می‌خواهد زمینه دیده‌شدن خوبی‌ها و نقاط قوت در حیات اجتماعی ملت ایران را ایجاد کند. خوبی‌هایی که به سبب تمرکز بر عیوب و کاستی‌ها دیده نمی‌شوند.

باید برآورد مردم از خود و جامعه‌شان و هویت جمعی‌شان را واقعی کنیم و نگذاریم وهم آفرینی‌های شیطانی دشمن، حجاب درک خود واقعی‌مان شود.

برنامه اصلی دشمن در لجن‌پراکنی و سیاه‌نمایی وضعیت کنونی کشور از طرفی و فرهنگ عمومی نادیده‌گرفتن داشته‌ها و گرایش به ضعف‌ها و کاستی‌ها در جامعه ما از سوی دیگر، پرداختن به نشر خوبی‌ها را امری مهم و اجتناب‌ناپذیر نموده است. به عبارت دیگر: نشر خوبی‌ها در صدد خنثی نمودن حرکت شیطانی دشمن است. در این فرایند، بر



تمام خوبی‌هایی که در جامعه وجود دارد و دشمن در صدد انکار یا تحریف آن و ناامیدکردن مردم است، تمرکز کرده و با کنش‌هایی نظیر: دیدن، روایت‌کردن، تقدیرکردن و... موجبات امیدواری آحاد مردم به نظام اسلامی فراهم می‌آید.

امام خمینی علیه السلام در بیانی این مهم را چنین یادآور می‌شوند:

تبلیغات که همان شناساندن خوبی‌ها و تشویق به انجام آن و ترسیم بدی‌ها و نشان دادن راه‌گریز و منع از آن است، از اصول بسیار مهم اسلام عزیز است.^۱

بنابراین، سازمان تبلیغات اسلامی برنامهٔ اصلی و کلان خود برای مواجهه با این لجن‌پراکنی‌های دشمن و تحقق جهاد تبیین در فضای عمومی جامعه را نشر خوبی‌ها قرار داده و می‌بایست این برنامهٔ کلان و راهبردی، محور تمام عملیات‌های سال قرار گیرد.

نشر خوبی‌ها، یک فرهنگ است و صرفاً یک کنش و الگوی رفتاری یا یک عملیات و پویش نیست. نشر خوبی‌ها با هدف ایجاد تغییر در فرهنگ است و به تعبیر دقیق‌تر: یک پیشران تحول فرهنگی در جامعه است.

نشر خوبی‌ها فرهنگ دیدن و روایت خوبی‌ها و قدردانی و تکریم خوبان را در جامعه توسعه می‌دهد و از کارهای خوب دارای اولویت در جامعه الگوسازی می‌کند.

رویکرد نشر خوبی‌ها وقتی کارساز و کارگشا خواهد بود که تبدیل به فرهنگ شود و بتواند طیف وسیعی از مردم را با خود همراه کند و در متن جامعه نهادینه گردد؛ به همان وزانتی که عیب‌یابی و

۱. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۱۳.



آسیب‌شناسی، در نقطه مقابل این رویکرد، یک فرهنگ شایع در میان ماست که در مواجهه با هر انسان و اتفاقی، اول آسیب‌ها و عیوب و آفت‌ها و چالش‌هایش برای ما جلوه می‌کند.

ابعاد نشر خوبی‌ها

برای آن‌که خوبی‌ها در جامعه، توسط مردم نشر داده شوند و در جامعه توسعه یابند، باید حداقل شش امر اجتماعی و کنش جمعی در جامعه شکل بگیرد:

۱. شناخت خوبی‌ها

کدام خوبی‌ها امروز ضرورت دارند؟

در هر برهه و موقعیتی از تاریخ، بر اساس شرایط و اولویت و مسائل جبهه حق، گزاره‌هایی از معارف الهی، ضرورت و اولویت پیدا می‌کنند و باید جامعه را متوجه آن گزاره‌ها کرد. این نکته درباره صفات و ویژگی‌ها و رفتارهای اجتماعی نیز صادق است؛ یعنی در برخی مقاطع، ضرورت ایجاد می‌کند که خلیات و صفات اجتماعی خاصی در جامعه ترویج شود و توسعه یابد؛ مثلاً گاه غیرت دینی اولویت می‌یابد، و گاه صبر و مصابره، و گاه سلیم و مدارا. نشر خوبی‌ها فرصتی برای گفت‌وگو درباره این امر مهم در مهندسی فرهنگی جامعه است.

برای نشر خوبی‌ها باید به تفاهم اجتماعی برسیم که کدام صفات جمعی و ویژگی‌ها و خوبی‌ها امروز در اولویت هستند و برای گذر از وضعیت موجود، جامعه باید واجد کدام صفات و رفتارها باشد؟ کدام خوبی‌ها نقش بیشتری در رفع آسیب‌ها و مشکلات و کاستی‌ها دارند و کدام خوبی‌ها، در تقویت سرمایه‌های اجتماعی و ساخت آینده مؤثرترند؟



گفت و گو دربارهٔ خوبی‌های ضروری در حیات اجتماعی، خود یک فرهنگ و یک پروژهٔ بزرگ است که با مشارکت عموم نخبگان و کارشناسان فرهنگی و اجتماعی قابل پی‌گیری و تحقق است.

۲. دیدن خوبی‌ها

در هر مواجهه‌ای، ابتدا باید خوبی‌ها و دارایی‌ها را ببینیم. آسیب‌شناسی و عیب‌یابی و ضعف‌بینی، امروز به‌عنوان یک رویکرد و فرهنگ، در جامعهٔ ایران بروز و ظهور بسیاری دارد و اکثر ما در ارتباطات اجتماعی و مواجهه با افراد و پدیده‌ها، اولاً آسیب‌ها و ضعف‌های آن‌ها را می‌بینیم و هرکدام از ما آسیب‌شناسان حرفه‌ای و پرمدعایی در عرصه‌های مختلف هستیم!

امروز یکی از ضرورت‌های جامعه در جنگ شناختی، تغییر این دیدگاه است. جامعه باید ذائقه دیدن خوبی‌ها را پیدا کند و خوبی‌ها و دارایی‌ها و قوت‌های جامعه و اطراف خود را ببیند. دیدن خوبی‌ها، خود یک فرهنگ است؛ فرهنگی که در تعارض با فرهنگ آسیب‌شناسی و دیدن خلأهاست.

فرهنگ دیدن خوبی‌ها، وقتی کارساز و کارگشا خواهد بود که تبدیل به فرهنگ شود و بتواند طیف وسیعی از مردم را با خود همراه کند و در متن حیات اجتماعی نهادینه شود. در نقطه مقابل این رویکرد، آسیب‌شناسی و پرداختن به عیوب، یک فرهنگ شایع در میان ماست و در مواجهه با هر شخص و اتفاقی، اول آسیب‌ها و عیوب و آفت‌ها و چالش‌هایش برای ما جلوه می‌کند.

اگر جامعه در نگاه به پیرامون خود، فقط ضعف و کاستی و عیب و نقص ببیند، ناامید و متوقف می‌شود؛ ولی اگر سرمایه‌ها و نقاط قوت را ببیند که عزم‌آفرین و امیدبخش و حرکت‌زاست، برمی‌خیزد و به پیش می‌رود.



۳. ابراز و اعلان

آنچه معتقدیم و می‌پسندیم را اعلام کنیم. امروز دنیای ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی، به روشنی قدرت ابراز و اعلان را در ایجاد غلبه اجتماعی به ما نشان می‌دهد. وقتی یک پُست در دنیای مجازی، پسندها و تأییدهای مکرر دریافت می‌کند، هر بیننده‌ای طبیعتاً نتیجه می‌گیرد که پیام کلیدی آن پست، موافقان پرشماری دارد.

یکی از راه‌کارهای نشر خوبی‌ها، همین ابراز و اعلان پسندها و ناپسندهای متکثر توسط آحاد جامعه است. اگر عموم اهل ایمان، آنچه عقیده دارند را در صورت‌های مختلف ابراز و آنچه می‌پسندند را اعلان کنند، غلبه اجتماعی حق بر باطل شکل می‌گیرد. لذا شعار در فرهنگ دینی، مورد تأکید است؛ چراکه قالبی برای اعلان و ابراز عقاید و پسندهاست.

این فرهنگ در فضای مجازی، سیطره و سطوت می‌سازد و هر عقیده و مطلوبی که بیشتر ابراز می‌شود، قدرت بیشتری می‌یابد.

۴. دعوت به خوبی‌ها

دیگران را به خیر و خوبی دعوت کنیم. یکی از وظایف جامعه‌ایمانی که در قرآن کریم، در شمار امر به معروف و نهی از منکر ذکر شده، دعوت به خیر است. دعوت به خیر، مفهومی بسیار گسترده‌تر از امر به معروف و نهی از منکر است و حتی می‌توان آن را مقدمه و پیش‌نیاز دانست. امر به معروف و نهی از منکر، قالبی محدود و چارچوبی شرعی و فقهی دارد، اما دعوت به خیر، مفهومی موشع و دارای صورت‌ها و اشکال عملی متنوعی است.



۵. روایت خوبی‌ها

خوبی‌های خوبان را برای دیگران روایت کنیم. این‌که هرکس در متن زندگی و روابط خود، رویکرد دیدن خوبی‌ها را برگزیده باشد، هرگز کافی نیست. دیدن خوبی‌ها وقتی می‌تواند به ما قدرت ایجاد تغییر در جامعه بدهد که به مرحله روایت خوبی‌ها برسد.

اگر مردم ما به‌عنوان یک رسالت انسانی و تعهد اجتماعی، آنچه از خوبی‌ها در اطراف خود می‌بینند، در قالبی ساختارمند و آمیخته با احساس با دیگران در میان بگذارند و در تجربه خود در مواجهه با خوبان و خوبی‌هایشان با دیگران سهیم شوند، کلان‌روایت پدید می‌آید و هرچه کم و کیف مشارکت عمومی در روایت خوبی‌ها بیشتر شود، این کلان‌روایت قدرت و سطوت بیشتری می‌یابد و بر احساس ناامیدی و ضعف و ناراستی جامعه، غلبه تام و تمام می‌یابد.

۶. قدردانی و تکریم خوبان

خوبان را تکریم کنیم. در نشر خوبی‌ها به دیدن و روایت خوبی‌ها بسنده نمی‌کنیم و خوبانی که واجد خوبی‌ها هستند را مورد تکریم و قدردانی قرار می‌دهیم. به تعبیر دیگر: فرهنگ قدردانی و تکریم خوبان، بُعد مهم دیگری از نشر خوبی‌ها و مکمل آن است که هم خوبان را در خوبی‌هایشان راسخ‌تر می‌کند و هم برای دیگران، الگوهای متعدد و قابل تکثیر می‌سازد.

امروز فرهنگ قدردانی، در گردهمایی‌ها و مراسم‌ها بسیار دیده می‌شود، اما نباید به این الگو محدود شد. فرهنگ نشر خوبی‌ها می‌گوید: هر جا نیت و اقدام و اثر خوبی دیدیم، همان‌جا از فردی که آن خوبی را خلق کرده، قدردانی کنیم و یا با به‌صورت جمعی به محل زندگی یا موقف اثرگذاری فرد برویم و او را تکریم کنیم.



انسان‌ها وقتی می‌فهمند کارشان دیده شده و مورد پسند و قبول دیگران واقع شده، انگیزه مضاعفی برای ادامه مسیر خوب بودن می‌یابند. فرهنگ قدردانی از خوبان و خوبی‌هایشان، انرژی اجتماعی قدرتمندی برای پیشبرد جامعه در مسیر خوبی‌ها به مردم می‌دهد.

نقش سازمان تبلیغات در نهضت نشر خوبی‌ها

بر اساس آنچه از ویژگی‌های نهضت و جنبش نشر خوبی‌ها گفته شد، سازمان تبلیغات اسلامی نمی‌تواند در جایگاه مالک و مدیر و مدبر نشر خوبی‌ها قرار گیرد. سازمان، پیشران و داعی نهضت نشر خوبی‌هاست و تلاش می‌کند تا گفت‌وگوها و فرصت‌هایی را برای همراه کردن آحاد مختلف مردم با این حرکت اجتماعی ایجاد کند؛ البته طبیعی است در این مسیر پویش‌ها و الگوهای کنشی متنوعی از طرف سازمان به گروه‌های مختلف اجتماعی پیشنهاد می‌شود، اما نباید نشر خوبی‌ها مصروف و محدود به مجموعه‌ای از کنش‌های طراحی شده توسط سازمان تبلیغات و یگان‌های عملیاتی آن شود و باید کنشگران و شرکای متعدد و متنوعی از سازمان‌های حاکمیتی و گروه‌های مردمی را به مشارکت در این امر فراخواند.

مصادیق نشر خوبی‌ها در مناسبت‌ها

بدون شک نشر خوبی‌ها برای امیدآفرینی در جامعه نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و طرح‌هایی کاربردی متناسب با هر مناسبت و عملیات می‌باشد. اگرچه جامعه و ملت ایران اسلامی دارای خوبی‌های بسیاری است که هر کدام از این خوبی‌ها می‌تواند مشمول نشر خوبی‌ها شود، لکن خوبی‌هایی مد نظر است که حذف آن‌ها توسط دشمن مورد هدف قرار گرفته است.

برنامه امروز دشمن، ایجاد دوقطبی در جامعه بر اشکال مختلف و



پیدایش گسست اجتماعی در عرصه‌های مختلف بین آحاد جامعه است؛ بنابراین برجسته‌ترین خوبی‌ای که امروز دشمن آن را هدف گرفته، همین اتحاد، همدلی و همبستگی اجتماعی است و لذا نشر خوبی‌ها برنامه خود را تمرکز روی این خوبی قرار می‌دهد.

رهبر معظم انقلاب عنه‌السلام در خطبه‌های نماز عید فطر نیز به این نکته اشاره فرموده‌اند:

دشمن با اتحاد ملت ایران مخالف است؛ با یکپارچگی شما مخالف است؛ با یک دست بودن ملت مخالف است. دشمن مایل است که مردم به خاطر عقاید و سلیق مختلف باهم بجنگند؛ با هم دعوا کنند. در یک جامعه، سلیق مختلفی هست؛ عقاید مختلفی هست؛ نگاه‌های مختلفی به مسائل هست؛ باشد، مانعی ندارد؛ همه در کنار هم زندگی کنند؛ با هم کار کنند؛ با هم مهربانی کنند؛ رأفت میان مردم. بایستی وسوسه‌های دشمن را برای بدبین کردن مردم به یکدیگر یا بدبین کردن مردم به مسئولان زحمتکش کشور باطل کرد.^۱

یکی از خوبی‌های ارزشمند در جامعه ما که دشمن پیوسته به دنبال لجن‌پراکنی و ازبین بردن و نادیده گرفتن آن در اذهان عموم جامعه است، همین محبت و الفت و پیوندهای اجتماعی است که در میان همسایگان و همکاران و فامیل و خانواده ایرانی نهادینه شده و نباید از آن غافل شد.

یکی از مهم‌ترین برنامه‌های دشمن کم‌رنگ کردن و تضعیف این خوبی بسیار راه‌گشا در زندگی مردم است. با بهانه‌های مختلف، به دنبال

۱. خطبه‌های نماز عید فطر، ۲ اردیبهشت ۱۴۰۲، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=52602>



ایجاد تفرقه و شکاف اجتماعی است تا بتواند به اهداف شوم خود دست یابد.

در مقابل، به تعبیر رهبر معظم انقلاب علیه السلام از اول انقلاب که امام بزرگوار رحمته الله در کلمات نورانی خود پیوسته بر وحدت و اتحاد مردم تکیه می‌کرد، مردم ما متحد بوده‌اند و این اتحاد در بسیاری موارد توانست راه‌های دشوار و تنگه‌های سخت را برای مردم باز کند و راه‌گشا باشد.

از این رو ستاد عملیات سازمان تبلیغات اسلامی، با هدف تحقق جهاد تبیین، در نظر دارد برنامه‌ها و طرح‌هایی را در عملیات‌های سال ۱۴۰۲، تحت موضوع کلان «نشر خوبی‌ها» به اجرا درآورد. کاملاً روشن است که با توجه به فرصت‌های عملیاتی مختلف، این موضوع کلان به موضوعات خرد و جزئی‌تر تبدیل خواهد شد.



محور محتوایی فاطمیه ۱۴۴۵

معجزهٔ مادری

«نقش مادری در تقویت پیوندهای اجتماعی»

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ وَآبِهَا وَبَعْلِهَا وَبَنِيهَا بَعْدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ»

ایجاد فرهنگ و راهبرد «نشر خوبی‌ها» برای امیدآفرینی در جامعه، نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و طرح‌هایی کاربردی و متناسب با هر مناسبت و عملیات است. اگرچه جامعه و ملت ایران اسلامی دارای خوبی‌های بسیاری است که هرکدام از این خوبی‌ها می‌تواند مشمول طرح «نشر خوبی‌ها» شود، لکن باید ابتدا خوبی‌هایی مدنظر قرار گیرد که دشمن نسبت به آن‌ها هجمه سنگین‌تری دارد.

رهبر معظم انقلاب علیه السلام در همین راستا می‌فرمایند:

بی‌شک مسئلهٔ زن و خانواده برای کشور، جزو مسائل درجهٔ یک است.^۱ دلایل مختلفی این ادعا را ثابت می‌کند؛ از جمله این که در این سال‌های پس از انقلاب، از نظر جبههٔ دشمنان ما، مسئلهٔ زن، در یکی از بالانشین‌های جدول اعتراض‌ها به ماست. از اول انقلاب روی مسئلهٔ زن تکیه کردند، به ما اعتراض کردند و ما را در ردیف تروریسم و نقض حقوق بشر قلمداد کردند. این مسئله تا امروز هم ادامه دارد.^۲

لذا بی‌تردید مسئلهٔ زن یکی از کانون‌های توجه دشمن است.

۱. نک: بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۴۰۱ دی ۱۳۹۰، دسترسی در: <https://khl.ink/f/18453>.

۲. همان.



از سوی دیگر در ایام فاطمیه، مردمی که به عشق حضرت زهرا علیها السلام دورهم جمع می‌شوند و در سوگ مادر، زانوی غم در بغل می‌گیرند، آمده‌اند تا وجودشان را از محبت مادری و زندگی سراسر نور ایشان روشن سازند و شمعی از این منبع درخشان بگیرند و دالان‌های تاریک و ناشناخته زندگی‌شان را روشنایی بخشند. خداوند مادر و برکات مادری‌اش را در زندگی همه ما قرار داده و تجربه‌ای شیرین و فراموش‌نشدنی برایمان رقم زده. با شنیدن نام «مادر سادات» یا «**أُمُّ الْأَنْمَةِ**» از دریچه خاطرات شیرین و نوازش‌های پر از محبت مادرانمان، **مادری** را تجسم می‌کنیم. پای روضه‌های مادرمان حضرت صدیقه طاهره علیها السلام شعله‌ور شده و ذره‌ذره می‌سوزیم.

در فاطمیه از مادر و مادری و الگوی بی‌بدیل سیده زنان عالم سخن گفتن، وظیفه ماست؛ چراکه گوش مخاطبان دلسوخته ما برای همین کلمات شنواتر است. از مادر می‌گوییم؛ از زن و جایگاهش می‌گوییم و مادری را برای ایجاد زندگی و جامعه‌ای آباد و پر از آرامش به تصویر می‌کشیم. مادر است و مادری‌کردنش؛ مادر است و پیونددادنش؛ پیوند میان تک‌تک اعضای خانواده و ایجاد ارتباط و اتصال میان سلول‌های اصلی جامعه، یعنی پیوند میان خانه‌ها و خانواده‌های دیگر، تا برسد به همه محله و شهر و...

مادر، همه را به هم وصل می‌کند. مادر، محور است؛ مادر، مرکز است؛ مادر، رئیس خانه است و خانه‌گردان؛ مادر، محبت می‌پراکند؛ مادر لطیف است و مهربان و با همین عشق و محبت، جامعه را می‌سازد. با مادرانه‌هایش، برای همه مادری می‌کند. با زنجیر محبت، همه را به هم متصل می‌کند؛ ناملایمات را می‌زداید و به جایش محبت می‌آفریند. این محبت، همان چیزی است که اگر در جامعه باشد، هنگام به درد آمدن یکی از اعضا، دیگر عضوها را نماند قرار. این همان جاذبه‌ای است



که مانند آهن ربا همه دل‌ها را به هم متصل می‌کند؛ همه را تنظیم می‌کند؛ با مرکزیت «مهربانی» و «عطوفت». این هنر سیده نساء عالم بود که با مدیریت و اتصال عواطف خانوادگی و اجتماعی، همه را به حرکت و تکاپو می‌انداخت. حضرت زهرا علیها السلام در اطرافش عشق می‌پراگند و همه را با زنجیر و اکسیری که دارد، کنار هم جمع می‌کند. این «معجزه مادری» است.

بانوی دو عالم صدیقه طاهره علیها السلام رهبری و سیادت را در زمان خود محقق کرد و با شکستن معیارهای مادی و جاهلی حاکم بر زنان مدینه، رهبری آنان را به دست گرفت و عواطف آنان را در جهت پشتیبانی از نهضت نبوی هدایت فرمود. با ایثار و زهد معجزه‌آسای خود، روحیه همراهی و صبر و مقاومت را در برابر عوارض مختلف جنگ‌های پرشماری که در طول ده سال از حکومت نبوی رخ داد، به بانوان مدینه منتقل کرد. دل‌ها را به هم پیوند داد؛ جامعه را متصل کرد و در خدمت امیرمؤمنان به حرکت درآورد.

عظمت این کارهای مقدس به‌گونه‌ای است که با گذشت قرن‌ها، قلب و روح زنان مسلمان ایران را نیز فتح کرده و بانوان نمونه ایرانی نیز به آن اقتدا کرده‌اند و با فداکاری و تحمل فشارهای ناشی از انقلاب و دفاع مقدس که از سوی دشمنان تحمیل می‌شود، ابتدا عموم زنان جامعه را در مسیر حضرت امام علیه السلام قرار دادند و سپس از این طریق، تأثیر عاطفی بزرگی بر مردان ایران و کل جامعه برجای نهادند تا جمهوری اسلامی در برابر طوفان هجمه‌ها و حمله‌های ابرقدرت‌ها باقی بماند. بله، انقلاب اسلامی توانست وجدان فاطمی زنان ایران را به عرصه عمل بکشاند و برای آن‌ها «هویتی عینی و کاربردی» ایجاد کند. مادری همیشه در جریان است و این قدرت پیوندزنی و



جریان‌سازی هرگز متوقف نخواهد شد.^۱

با توجه به هویت خانوادگی و اجتماعی زنان، باید توجه داشت که مهم‌ترین نقش اجتماعی زنان و مادران ما «ایجاد جریان‌ها و پیوندهای اجتماعی و رهبری عواطف اجتماعی» است که از درون خانه و خانواده آغاز شده و با تغییر سبک و الگوی آن، تا اجتماع و ترسیم روابط اجتماعی و اتصالات میان جامعه ادامه می‌یابد. **مادری، همان نخ تسبیح اتصال اجتماعی** است که اگر این اتصال اجتماعی و ولاء در میان جامعه تقویت شد، ولاء عرضی و اتصال بین مردم محقق شده و جامعه آمادگی فرود آمدن و تحقق ولایت طولی الهی و رسیدن ولایت خداوند از طریق پیامبر و اولیای الهی و نایبان آن را پیدا می‌کند. **مادر مهم‌ترین مأمور ایجاد و تقویت پیوندهای اجتماعی است.** این مسئله دقیقاً کارویژه و شاه‌بیت فعالیت‌های حضرت زهرا علیها السلام بود که باید در زمان حضرت علی علیه السلام آن را انجام می‌داد. اگر حضرت، زنان مدینه را به حرکت وانمی‌داشت، بسیاری از جریان‌های اجتماعی حول شخصیت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حضرت

۱. رهبر معظم انقلاب به نمونه‌ای از این نقش‌آفرینی زنان در دوران انقلاب و دفاع مقدس اشاره کرده است:

«مادر، مادر شهید، مادر دو شهید، مادر سه شهید، مادر چهار شهید؛ شوخی نیست؛ اینها به زبان آسان می‌آید. بچه انسان سرما می‌خورد، دو تا سرفه می‌کند، چقدر نگران می‌شویم؟! یک بچه انسان برود کشته بشود، دومی برود کشته بشود، سومی برود کشته بشود؛ شوخی است؟! و این مادر با همان احساسات مادرانه سالم و جوشان و پرفوران، آن چنان نقشی ایفا کند که صد تا مادر دیگر تشویق بشوند بچه‌هاشان را بفرستند میدان جنگ. اگر این مادرها آن وقتی که جنازه بچه‌هاشان می‌آمد یا حتی نمی‌آمد، آه و ناله می‌کردند، گله می‌کردند، یقه چاک می‌زدند، اعتراض به امام و اعتراض به جنگ می‌کردند، مطمئناً جنگ در همان سال‌های اول و در همان مراحل اول زمین‌گیر می‌شد. نقش مادران شهدا این است». بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۴ دی ۱۳۹۰، دسترسی در:

<https://khl.ink/f/18453>.



علی علیه السلام شکل نمی‌گرفت؛ در نتیجه، جامعهٔ اسلامی و جبهه مردمی در کار نبود تا ظرف پذیرش و تحقق دستورات و ولایت پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام فراهم شود.

حال می‌توان گفت که زنان براساس ویژگی فطری‌شان، پیونددهنده هستند. این هنر مادران از عاطفه و لطافت‌ها و ظرافت‌های آن‌ها نشئت گرفته است. مطابق بودن این نقش با فطرت آنان مسئله‌ای تأمل‌برانگیز است. به همین دلیل است که رهبر معظم انقلاب عظمت الله فرموده‌اند: «وقتی زن مسلمان به فطرت و به اصل خود برمی‌گردد، **معجزهٔ عظیمی** درست می‌کند!»^۱ این معجزه عظیم از مادر و مادری‌هایش حاصل می‌شود. اسلام با توجه به این توانایی که در زنان وجود دارد، نقشی بی‌بدیل در حضور اجتماعی‌شان تعریف کرده است. لذا برای فاطمیه امسال باید به **بازخوانی سیرهٔ حضرت زهرا علیه السلام** و **مادرانه‌های حضرت در تقویت پیوندهای اجتماعی** پردازیم؛ چراکه این موضوع **برگ برندهٔ هویت‌بخشی به زن و مادر امروز** است که حتی او را در تأثیرگذاری و عظمت، از مردها هم جلو می‌اندازد. این همان «**معجزه مادری**» است.

سخن را با کلامی از رهبر معظم انقلاب عظمت الله پایان می‌دهیم:

نقش مادری برای یک خانواده، برای یک جامعه و کشور نقش مهم هویت‌ساز است. مادرها هستند که عناصر هویت ملی را به نسل‌ها انتقال می‌دهند. هویت ملی یک چیز مهمی است؛ یعنی هویت یک ملت، شخصیت یک ملت در درجهٔ اول به وسیلهٔ مادرها منتقل می‌شوند. زبان، عادات، آداب، سنت‌ها، اخلاق‌های خوب، عادت‌های خوب، این‌ها همه در

۱. بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۲۵ آذر ۱۳۷۹، دسترسی در:



درجهٔ اول به وسیلهٔ مادر منتقل می‌شود... افشانندهٔ بذرایمان
و اخلاق در دل‌ها، مادرها هستند!^۱

پس به یقین می‌توان گفت که یکی از خوبی‌های ارزشمند در جامعه ما که دشمن پیوسته به دنبال تضعیف و شبهه‌افکنی نسبت به آن است، همین مفهوم مادری، مخصوصاً در میان زنان و دختران است، که خسارات غفلت از این شیوه دشمن، جبران‌ناپذیر خواهد بود.^۲ تعبیر زیبای رهبری برای مادر یک خانواده کار را برای ما تمام کرده و دیدگان ما را درباره این مسئله کاملاً روشن می‌کند. ایشان می‌فرمایند:

۱. بیانات در دیدار اқشار مختلف بانوان، ۱۴ دی ۱۴۰۱، دسترسی در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=51655>

۲. مادری در نگاه رهبری معظم انقلاب، در چند محور قابل احصاست: حق حیات، ادامه نسل، انتقال عناصر هویت ملی، فرهنگ و تمدن به نسل بعدی که تمام این امور مهم از طریق ظریف‌کاری‌های زن و مادر و ریزه‌کاری‌ها و رشته‌رشته پروردن احساسات و عواطف توسط او شکل می‌گیرد. اما غرب با بزک و نمایشی کردن زن و فراموشی این صفات زیبا، نقش مهم مادری را تحت الشعاع دنیاطلبی و لذت‌جویی کرده و اساس آفرینش زن و نقش ویژه او در جامعه را تضعیف نموده است. یعنی گناه بزرگ تمدن مادی، تضعیف و گاهی به فراموشی سپردن این نقش است. پس باید ابزار دشمن برای تحقق این گناه بزرگ را افشا کرد و به تعبیر دیگر «رقیب مادری» را که توسط ابزارهای دشمن جذاب معرفی می‌شود، به افکار عمومی معرفی نمود. به نظر می‌رسد که یکی از مهم‌ترین این رقبا، هویت‌دهی و منزلت‌بخشی‌های قلابی به «زن شاغل تحصیل‌کرده» است که اختیارات و آبرو و اعتبارات انسانی و مالی را به سمت خود جلب می‌کند و امکان نقش‌آفرینی و هویت‌مندی مادران را از آن‌ها سلب می‌نماید. گرچه اسلام با تحصیل و اشتغال زنان فی‌نفسه مخالفی ندارد، اما هنگامی که این دو نقش، منجر به مردواره شدن زن شوند و با خالی کردن او از عواطف وی را به نیروی کار در نظام سرمایه‌داری تبدیل کنند و این هم به عنوان ارزش و قبله بانوان قرار گیرد، آن‌گاه زمینهٔ قوی اجتماعی برای فراموشی و پایین آوردن منزلت زن و مادری فراهم شده و حتی مادران مؤمن را گاه به تردید و سردی و احساس عقب‌ماندگی وامی‌دارد.

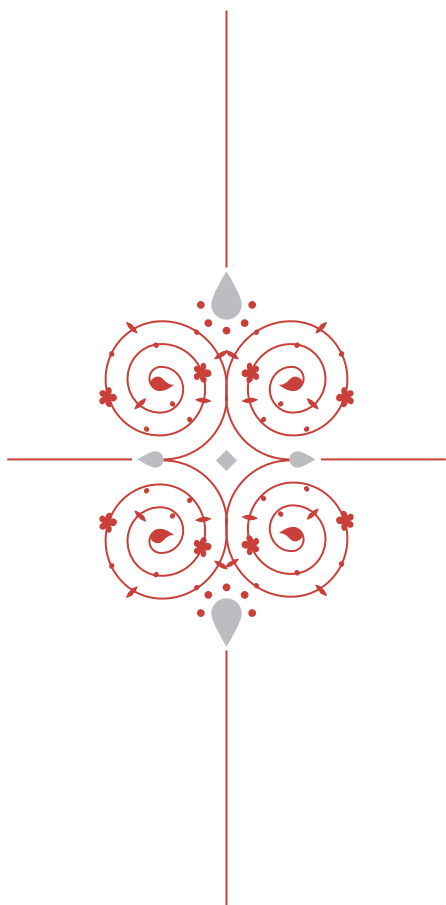


زن در داخل خانواده، عزیز و مکرم و محور مدیریت درونی خانواده است؛ شمع جمع افراد خانواده است؛ مایهٔ انس و سکینه و آرامش است. کانون خانواده - که حوضچهٔ آرامش زندگی پُرچالش و پُرتلاش هر انسانی است - به وجود زن آرام می‌گیرد و سکینه و اطمینان پیدا می‌کند. آن وقت نقش او به عنوان همسر، به عنوان مادر، به عنوان دختر خانواده، هر کدام یک فصل طولانی در تکریم دارد. بنابراین حقیقتاً باید در زمینهٔ ارزش و کرامت زن در نظر اسلام، بازنویسی و بازگویی و بازبینی انجام شود.





مقدمه





به زیر سایه‌اش بی‌شک قیامت می‌شود برپا
شفاعت در یدش باشد به صبح محشر کبری
نبوت را خدا با او ، ولایت را خدا با او
امامت را خدا با او ، شناسانده به انسان‌ها
غمش اصل اصول ما ، دمش سحر رسول ما
مقام ماورایش را ، نمی‌فهمد عقول ما
ز خاک چادرش گیرد تیمم مریم از رغبت
شرافت داده این تربت به چشم هاجر و حوا

«يا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءُ يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ يَا قُرَّةَ عَيْنِ الرَّسُولِ يَا سَيِّدَتَنَا
وَمَوْلَاتَنَا اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ
بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجْهَةً عِنْدَ اللَّهِ اِشْفَعِي لَنَا عِنْدَ اللَّهِ»



زیر سایه مادر

کلمه «مادر» را که می‌شنویم، ذهنمان درگیر پرسش و پاسخ نمی‌شود؛ به فکر فرو نمی‌رویم؛ احتیاج به تمرکز کردن پیدا نمی‌کنیم. مادر!

مادر انگار روشن‌ترین مفهوم دنیاست. کاملاً شیرین و کاملاً دوست‌داشتنی. تکیه‌گاه، آرامش‌بخش، مهربان، دلسوز، فداکار، عشق، بی‌نظیر، تکرارنشده، هوادار، جان‌فدا، صبور، پناهگاه و هزاران خوبی و زیبایی دیگر که به محض شنیدن نامش، از قلبمان می‌گذرد. تأمل و تفکر نمی‌خواهد؛ توجه نمی‌خواهد. آن قدر این خوبی‌ها در وجودش موج می‌زند و آن قدر برای همه ما روشن و ملموس است که فقط می‌توان گفت: مثل روز برایمان روشن است. اگر کسی بگوید: مادر یعنی...؛ قبل از آن که دهان باز کند، با تعجب نگاهش می‌کنیم. آری، مادر یک واژه معنانشدنی و پایان‌ناپذیر است. شرق و غرب هم نمی‌شناسد؛ داخلی و خارجی هم ندارد.

مادر فقط در یک جمله، یعنی مادر. این معجزه بی‌بدیل عالم خلقت را خداوند در زندگی همه ما تکرار کرده است. ربّ دلسوز و حکیم، چون ربّ است و باید مربی‌گری کند و تربیت مدّ نظرش را در زمین پیاده کند، احتیاج به موجوداتی لطیف و منعطف داشت تا فولاد سخت وجود بشر را در این کوره آدم‌سازی جلا دهد؛ بسوزد و بسازد تا ذره ذره از وجود کریمانه خود در آن بدمد و بشود انسان؛ بشود خلیفه خدا روی زمین. خداوند برای رساندن کلامش و برای هدایت ما به سوی سعادت ابدی، پدرانی برایمان آفرید که مانند ندارند. برای همین است که خاتم پیغامبران صلی الله علیه و آله و بهترین آفریدهٔ خدا بر روی زمین فرمود: «أنا و علیُّ أبوا هذه الأمة».

اما برای تکمیل این نقشهٔ هدایت و پیمودن این مسیر سخت و پریچ‌وخم به منبع مهر و عطوفت هم نیاز مبرم داشتیم؛ لذا مفهوم



مادر و مادرانه‌ها را خلق کرد و پرچم آن را هم به دستان پرعطوفت صدیقه طاهره علیها السلام سپرد. مادرمان هم خوب برایمان مادری کرد. آن قدر مادری را از حدش فراتر برد که اول شخصیت عالم هستی، پیامبر مهربانی‌ها و رحمة للعالمین صلی الله علیه و آله به او مدال افتخار مادری پدر را داد و «اُمّ ابیها» نامیدش.

آری، این مسیر، علی و زهرا علیهم السلام می‌خواهد؛ حسین و زینب علیهم السلام؛ مادری لازم دارد. قرار است خدا دور شمع وجود این مادرهای فاطمی جمعمان کند. نباید پراکنده شویم. نباید از هم فاصله بگیریم. مادرمان حضرت زهرا علیها السلام بتول علیها السلام، شبانه فرزندانش را در کوچه‌های مدینه همراه خود می‌برد تا برای این امت مادری کند؛ تا نگذارد گنج ولایت علی و اولادش از بین برود و تنها بمانند. نمی‌خواست مهاجرین و انصار از اطراف هم پراکنده شوند تا دشمن به مقصودش نرسد. داشتند اسلام را قطعه قطعه می‌کردند و نزدیک بود همه تلاش‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله را بی‌اثر کنند. دشمن فهمیده بود که باید تفرقه بیندازد و حکومت کند. دشمن فهمیده بود که اگر یاران علی علیه السلام با همدیگر متحد نباشند، حتماً با علی علیه السلام هم متحد نخواهند بود. آن‌ها می‌دانستند اگر پیوستگی مردم با هم، تبدیل به گسست و جدایی شود، هرگز اتصالی با ولی خدا هم اتفاق نمی‌افتد.

زهرا علیها السلام ذره ذره می‌سوخت تا علی تنها نماند. مادرمان آرام و بی‌صدا سوخت. حال بهتر معلوم می‌شود که چرا مادر پشت دررفت؛ چرا زهرا علیها السلام فدا شد و حتی در آن لحظات هم علی را به میدان نیاورد، و فِصّه را صدا زد. به فدای تو ای مادر! به فدایت ای علی جان! یا فاطمه زهرا علیها السلام ای کاش علی را صدا می‌زدید! ای کاش با امیرالمؤمنین درد دل آن ماجرا را کرده بودید تا امیرمؤمنان غافلگیر نشود. علی عمق فاجعه را کی فهمید؟ آن شب تلخ، درد دل تاریکی و در حال غسل دادن،



شرمنده زهرا علیها السلام شد. آری، می‌خواستند چراغ خانه علی و شمع جمع این خانواده را خاموش کنند. دشمن خوب می‌داند کجا را نشانه بگیرد. تاریخ تکرار می‌شود. اصلاً کار مادرها سوختن است و مادری یعنی سوختن و ساختن و تربیت‌کردن و پرواز دادن. تاعرش پروازمان می‌دهند. کارشان وصل‌کردن و پیوند دادن است. کارشان تنظیم پیوندهای اجتماعی است با اکسیری به نام محبت، عشق، صبر، مدارا و... و ده‌ها مادرا نه دیگر که تنها، برازندهٔ مادر است.

گویی خداوند یک قسمت از هزار قسمت محبتش به انسان را در دنیا در میان مردم تقسیم کرد و مرکز آن را در روی زمین «مادر» قرار داد. مادری و مادرا نه‌هایش معجزه می‌کند: رابطهٔ پدر با فرزندان را تنظیم می‌کند؛ بچه‌ها را در خانه با هم تنظیم می‌کند. اگر فرزند ویژگی‌های مهم یک زندگی اجتماعی را به درستی از مادر آموخت و مادر، او را تنظیم کرد، دیگر خودخواهی ندارد؛ حسادت ندارد؛ خشم بی‌جا و بی‌تفاوتی ندارد؛ کم‌صبری و کم‌طاقتی ندارد. در عوض، دلسوز و اهل مداراست. در یک کلام برای هواداری از اطرافیان و جامعه آماده است.

هواداری، ولاء و مراقبت از یکدیگر همان ابزار بی‌نظیری است که مرحوم آیت‌الله شاه‌آبادی در «شذرات المعارف»، این گنجینهٔ معرفت، به خوبی به آن پرداخته است. مرحوم شاه‌آبادی حقیقتاً خوب استادی بود و حضرت امام هم، خوب شاگردی. استاد اخلاق و عرفان بود؛ البته اخلاق و عرفان اجتماعی و سیاسی و فرهنگی، نه اخلاق و عرفانی که اسم و رسمی دارد، اما درونش تهی از حقیقت است. اخلاقی که امت اسلامی می‌سازد و زمینه‌ساز ظهور است؛ جامعه را می‌سازد و آماده می‌کند.

در حقیقت ولاء‌طرفینی و تقویت پیوندهای اجتماعی که در نظام فکری امام و رهبری عزیزمان متبلور است، شاهراه رسیدن به مقصود



و تحقق ولایت الله در روی زمین است. به تعبیر دقیق‌تر: تا ولایت عرضی، یعنی پیوندهای میان مردم با هم درست و استاندارد نباشد و محقق نشود، ولایت طولی یعنی همان ولایت خدا و اهل بیت علیهم‌السلام و ولایت فقیه بر روی زمین محقق نخواهد شد. بنابر همان مثال زیبا و معروف، ولاء عرضی مانند رکاب انگشتری است که اگر نباشد، نگین این انگشتر که ولاء طولی است، محقق نخواهد شد و بر زمین نخواهد نشست. یعنی اگر علی علیه‌السلام هم باشی، اما مردم متصل و در کنار هم در کنارت نباشند، باید ۲۵ سال در خانه بمانی. برای همین است که معتقدیم یکی از اصلی‌ترین استراتژی‌های شیعه در دوران غیبت برای رسیدن هرچه سریع‌تر به دوران ظهور و درک حضرت حجت، توجه بسیار جدی به راهبرد تقویت پیوندهای اجتماعی است که به محور قرارگرفتن اسلام و قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام خواهد انجامید. برای همین است که این کلام مقدس مولایمان را پیوسته در مقابل دیدگانمان قرار می‌دهیم که فرمودند: «وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا - وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لِعِطَاعَتِهِ - عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا، وَلَتَعَجَّلَتْ هُمْ السَّعَادَةَ بِمُشَاهَدَتِنَا». این یک راهبرد بسیار مهم است. امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الدنیا تأکید کرده‌اند که اجتماع قلوب و همدلی و مراقبت بر آن، راه آمدن حضرت و ظهور است. ما می‌خواهیم در این فاطمیه زیر سایه مادر و مادرانه‌هایش و نوری که بر جان مادران این سرزمین و مادران مسلمین در سراسر عالم تابانده‌اند از گسست و تفرقه دوری کرده، پیوندهای اجتماعی را روزه‌روز مستحکم‌تر کنیم.

امروز در جامعه ما قلب تپنده ایجاد و تقویت پیوندهای اجتماعی، مادران و مادرانه‌های آن‌هاست. خیلی زیباست که دقیقاً ویژگی‌های مهم برای تحقق ولاء‌طرفینی و ایجاد پیوندهای اجتماعی در «مادر» خودنمایی می‌کند. پیوندهای اجتماعی یک قسمت حیاتی برای رشد



هر جامعه است. این پیوندها می‌تواند از راه‌های مختلف به افراد منتقل شود و مرکز صدور این پیام‌ها، خانواده است که فرمانده و قلب هر خانواده در پنجهٔ قدرت عاطفی مادر است. احترام به دیگران، قدرشناسی و دیدن زحمات اطرافیان و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، علاقه‌مندی به ارتباطات و اکتشاف و ایجاد رابطه با افراد جدید باعث می‌شود که افراد احساس خوبی نسبت به ارتباط با جامعه خود داشته باشند.

احترام به تفاوت‌ها به جای تأکید بر تفاوت‌ها و در عوض، تأکید بر امور مشترک و مورد پذیرش همگان از جمله آداب تقویت پیوندهای اجتماعی است. پیروی از قوانین و نقش‌های اجتماعی و عمل کردن با انصاف و عدالت نیز اجتماع را به هم متصل‌تر می‌کند. کمک به دیگران و بی‌تفاوت و بی‌توجه نبودن به نیازهای دیگران و رعایت حقوق آنان از دیگر موارد مدیریتی مادران است. این موارد نشان از اثرگذاری فوق‌العاده در تنظیم روابط اجتماعی توسط مادر است. برای همین است که دشمن روی مادر متمرکز شده و به تعبیر «روپرت مُرداک» یهودی، اگر مادری را به لجن بکشند، کار تمام است. همین میزان از اهمیت را بگونه‌ای دیگر در کلمات متفکرین غربی می‌توان مشاهده کرد. به عنوان مثال «وُلتر» از نامدارترین فلیسوفان فرانسوی دربارهٔ نقش کلیدی زنان می‌گوید: «زن آفریده شده است تا شیرازهٔ سعادت و ارتقای موجودات، پیوسته بماند». کتاب حاضر به بخش‌هایی از همین اثرگذاری‌های مادرانه پرداخته است.

کتاب «زیر سایه مادر» در یک نگاه

ما، در این کتاب که با نام «زیر سایه مادر» آماده شده، به بازخوانی نقش مادرانه‌های فاطمی در تقویت پیوندهای اجتماعی خواهیم پرداخت. در این محتوای تبلیغی کوشیده‌ایم تا اشاره‌ای به سیرهٔ حضرت زهرا علیها السلام



داشته باشیم و ذره‌ای از عظمت ایشان و مادرانه‌های فاطمی‌شان را به تصویر بکشیم. از آن‌جا که این محتوا قرار است در اختیار مبلّغین و کنشگران عرصه فرهنگ کشور قرار گیرد و مخاطب ما در فاطمیه ۱۴۰۲ با مسائل مختلف و متعددی مواجه است، باید به شبهات و سؤالات مخاطبین در حد و اندازه این محتوای تبلیغی بپردازیم.

بعد از مباحث متعدد با متخصصین این مسئله تصمیم گرفتیم که این مسیر را دنبال کنیم. ابتدا به عظمت و جایگاه حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ پرداختیم و با محوریت کلام بی‌نظیر حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مورد مقام مادری حضرت زهرا و لقب «أمّ ابیها»، در ابتدای فاطمیه مخاطب را مهمان مهربانی‌های این بانوی دو عالم کردیم تا با ایشان پیوندی عمیق‌تر برقرار کرده، قلب و زندگی خود را بار دیگر با مادر سادات پیوند زند و برای الگو گرفتن از زندگی ایشان، با حضرت بیعتی دوباره انجام دهد.

در جلسه دوم به این سؤال مخاطب پاسخ داده‌ایم که آیا این ویژگی‌ها در وجود حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ منحصر است یا اساساً نگاه اسلام به زن و مادر یک نگاه ویژه است. لذا در این جلسه به ارائه نگاه اسلام به زن و مقایسه آن با نگاه غربی و ظلم تاریخی‌ای که به زن می‌شود، پرداخته‌ایم.

در جلسه سوم به این سؤال پاسخ داده‌ایم که با وجود توجه جدی اسلام به زن، آیا جمهوری اسلامی هم نگاه درستی به زن دارد یا این که توجهی به زن نداشته و به آن ظلم می‌کند؟ در این مجلس به رونمایی از طرح جمهوری اسلامی برای زن پرداختیم که در کلام رهبری از آن به «الگوی سوم زن» یاد می‌شود. در این جلسه ثابت می‌کنیم که در مسئله زن مدعی هستیم. البته در آن روی سکه، به جنایات پهلوی در حق زنان و مادران اشاره می‌کنیم.



در جلسهٔ چهارم به این سؤال پاسخ می‌دهیم که چرا اسلام و جمهوری اسلامی کمال زن را در مادر شدن می‌دانند و ثابت می‌کنیم که زن اگر مادر نشود، کامل نمی‌شود و حد نهایی و والای خوبی‌ها نصیبش نمی‌گردد. پرداختن به لذت‌ها و دستاوردهای بی‌نظیر مادری، بخش دیگری است که در مورد آن صحبت می‌کنیم.

در جلسه پنجم به این سؤال پاسخ می‌دهیم که آیا مادر شدن به تنهایی برای کسب همه مدال‌های یک زن کافی است یا اضافه بر مادر بودن و مادر شدن باید مادری هم کرد؟ در آخرین مجلس از این کتاب اثبات می‌کنیم که مادرانه‌های یک مادر دقیقاً یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های موضوع مهم تحقق پیوندهای اجتماعی و ولاء‌طرفینی است که در مادر نهادینه شده. مادر مهم‌ترین مأمور ایجاد و تقویت پیوندهای اجتماعی است. مادر می‌تواند در گام اول با رفتار خود و در گام بعد با تربیت فرزندان و در نهایت با حضور اجتماعی مستقیم خود، بر جامعه اثر بگذارد. مادر می‌تواند قهرمان عرصهٔ مبارزه با گسست‌ها و شکاف‌های اجتماعی باشد. به تعبیر دقیق ابوعلی سینا: «مادر با یک دست گهواره می‌چنبد و با دست دگر عالم را». مادر می‌تواند فرزندی تربیت کند که نه تنها مراقب همسایه و همشهری و هموطن خود است، نه تنها در کشور خودش هر جا سیل و زلزله‌ای آمد، فداکارانه به میدان بیاید و برای مردم مادری کند، بلکه حتی در کشوری دیگر به خاطر مظلومی که فریاد یاری سرداده، جانفش رافدا کند و با ملاک مسلمانی و یا حتی انسان بودن، دردی از او را تسکین دهد و خود را در معرض مشکلات برادر مسلمان یا انسانی دیگر قرار دهد. این‌ها همگی هنرهای مادران حاج قاسم‌ها و شهید حجتی‌ها و آرمان‌علی‌وردی‌هاست که اوج تحقق پیوندهای اجتماعی هستند.

باور کنیم که تنها راه اصلاح جامعه و آماده‌شدن برای ظهور منجی

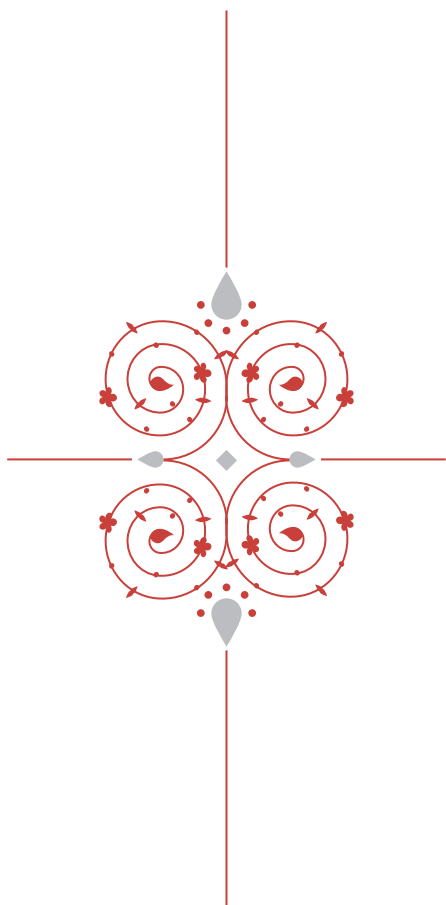


عالم بشریت، مسلط شدن به این سلاح و مؤدب شدن به این آداب و جلوگیری از گسست و جدایی و نفرت است. مسئله‌ی ما هر چه باشد، باید از این دریچه به موضوع نگریست. حجاب باشد یا عدالت خواهی، انتخابات باشد یا برطرف کردن مشکلات کشور و حتی معضلات اجتماعی، همه باید از این کانال بگذرد. باید دلسورانه در کنار هم بر همه این موارد پیروز شده، آن‌ها را از سرراه برداریم.

به امید روزی که زیر سایه توجهات حضرت زهرا علیها السلام و مادرانه‌های ایشان بتوانیم زیر پرچم ولایت جمع شویم. ان شاء الله این پرچم با عنایت حضرت مادر به همین زودی در دستان صاحب اصلی این حرکت و این مملکت قرار گیرد.

والعاقبة لأهل التقوا والیقین
والحمد لله رب العالمین
مؤسسه تولید محتوای تبلیغی
شهید حاج قاسم سلیمانی رحمته الله
آبان ماه ۱۴۰۲





معرفی اجمالی سیر کتاب

مجلس اول

مادر تمام عالم

تأملی در جایگاه شگفت‌انگیز حضرت زهرا علیها السلام در عالم هستی
و مادری‌های ایشان برای شیعیان عالم

سیر بحث

۱. تبیین جمله «اُمّ اَبیها» و به تصویر کشیدن مادری حضرت زهرا علیها السلام در ماجرای شعب ابی طالب؛
۲. شان نزول آیه ۶ سوره حشر و تعبیر «اُمّ اَبیها»؛
۳. حضرت زهرا علیها السلام مادر تمام عالم؛
۴. روایت‌هایی از مادری‌های حضرت زهرا علیها السلام در قیامت؛
۵. جایگاه حضرت زهرا علیها السلام در عالم هستی؛

۶. عظمت و جایگاه مادر سادات در حدیث کساء؛
۷. داستان علامه امینی (اثبات ولایت با حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام)؛
۸. نشست‌ن بر سر سفرهٔ فاطمیه و الگو گرفتن از چنین مادری.

مجلس دوم

ظلم خاموش!

بررسی جایگاه زن در اسلام و غرب، با توجه به سیرهٔ نبوی و فاطمی و اثبات وجود ظلمی خاموش در حق زنان در نگرش‌های غیر اسلامی

سیر بحث

۱. ذکر احترامات ویژه پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام؛
۲. این همه احترام در کدام دوره از زمان؟؛
۳. ظلم‌های جاهلیت اولی به زن؛
۴. طلوع اسلام و هویت بخشی به زن؛
۵. ظلم مجدد به زن، با فمینیسم، یعنی جاهلیت مدرن؛
۶. پیامدهای فمینیسم؛
۷. آزادی زن در اسلام.

مجلس سوم

ما مدعی هستیم!

تبیین متفاوت از جایگاه زن در جمهوری اسلامی و خدمت ایران به زنان و دختران ایرانی



سیر بحث

۱. عنایات حضرت زهرا علیها السلام در سختی‌های دفاع مقدس؛
۲. خلاصه‌ای از ظلم‌های جاهلیت اولی و مدرن به زن؛
۳. طلوع مجدد اسلام در سال ۵۷؛
۴. ظلم‌های حکومت پهلوی به زن؛
۵. هویت بخشی به زن در بیانات امام راحل رحمه الله؛
۶. زن در بیانات رهبری (الگوی سوم زن)؛
۷. دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه زن.

مجلس چهارم

زن اگر مادر باشد!

بررسی سیره حضرت زهرا علیها السلام برای بیان دستاوردها و منافع مادری و اثبات این حقیقت که تازن مادر نشود، کامل نمی‌شود

سیر بحث

۱. داستان ملاقات حضرت زهرا علیها السلام با جناب سلمان رضه؛
۲. کمال زن به مادری است؛
۳. کلام بزرگان درباره جایگاه مادر؛
۴. دسیسه‌های دشمن برای تخریب جایگاه مادری؛
۵. منافع مادری؛
۶. رنج و شیرینی مادری (لذت مادری).





مجلس پنجم

مادر اگر مادر باشد!

الگوگیری از مادران‌های حضرت زهرا علیها السلام

برای اصلاح و تقویت روحیه مادری به عنوان بهترین راه‌حل عمق بخشی به پیوندهای اجتماعی

سیر بحث

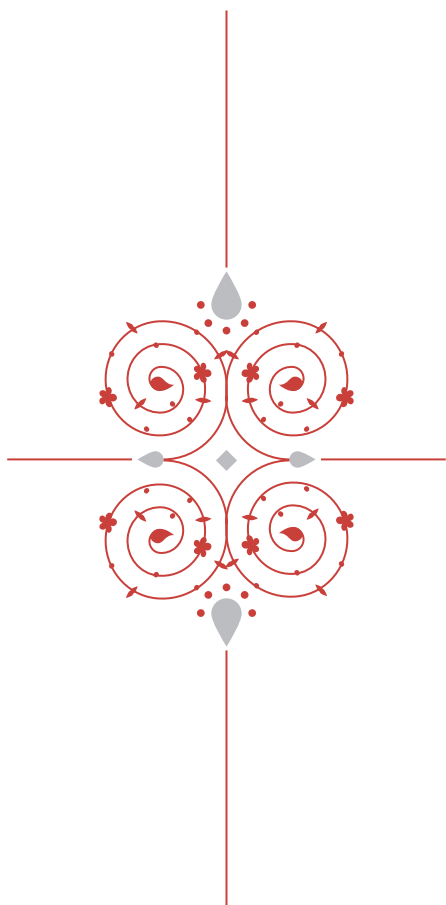
۱. ملاقات زنان مدینه با حضرت زهرا علیها السلام؛
۲. حضرت زهرا علیها السلام ایجاد کننده ولاء بین مردم با خودشان و نیز مردم با ولایت؛
۳. ذکر خلاصه‌ای از مباحث قبل که چرا مادر مهم است؟؛
۴. مادر، مهم‌ترین مأمور ایجاد تقویت پیوندهای اجتماعی؛
۵. ذکر مصادیق مادران‌های یک مادر (چیستی مادری کردن)؛
۶. مادران‌های یک مادر در خانواده؛
۷. مادران‌های یک مادر در جامعه.



مجموعه حاضر به سفارش «اداره کل امور مبلغین سازمان تبلیغات اسلامی» و با تلاش شبکه ملی تولیدکنندگان محتوای تبلیغی «هم قلم» و گروه تولید محتوای شهید حاج قاسم سلیمانی رحمته الله تألیف شده است.

در اینجا از تمام پژوهشگران عزیزی که ما را در تولید این مجموعه گران سنگ یاری کردند، صمیمانه قدردانی می‌کنیم: حجج الاسلام حسین جوادی صدر، محسن فهیمی، حمید قاسمی، محسن فوجی، رضارضای رحمتی و موسی محمدآبادی.





جلسه اول

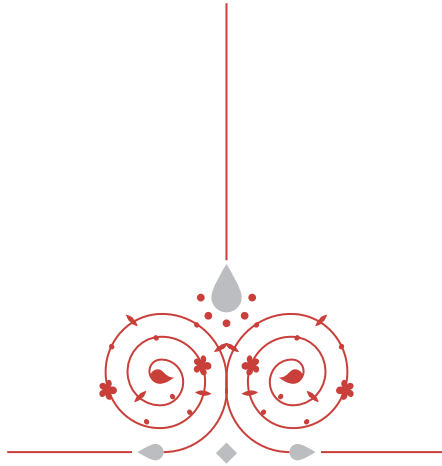
مادر تمام عالم

تأملی در جایگاه شگفت‌انگیز حضرت زهرا علیها السلام
در عالم هستی و مادری‌های ایشان برای
شیعیان عالم

قدرت پنهان ۱




حقیقت عظیم



سیر بحث جلسه اول

۱. تبیین جمله «اُمّ أبیها» و به تصویرکشیدن مادری حضرت زهرا علیها السلام در ماجرای شعب ابی طالب؛
۲. شأن نزول آیه ۶ سوره حشر و تعبیر «اُمّ أبیها»؛
۳. حضرت زهرا علیها السلام مادر تمام عالم؛
۴. روایت‌هایی از مادری‌های حضرت زهرا علیها السلام در قیامت؛
۵. جایگاه حضرت زهرا علیها السلام در عالم هستی؛
۶. عظمت و جایگاه مادر سادات در حدیث کساء؛
۷. داستان علامه امینی (اثبات ولایت با حضرت زهرا علیها السلام)؛
۸. نشستن بر سر سفره فاطمیه و الگوگرفتن از چنین مادری.



زهراکه عنایتش به دنیا برسد
جز او که به فریاد دل ما برسد
یا رب! سببی ساز که در روز جزا
پروندهٔ ما به دست زهر ابرسد

فرشته‌ای در شعب

یکی از آزمون‌های مهم و دشوار مسلمانان در تاریخ اسلام، ماجرای شعب ابی‌طالب بود. انسان وقتی حوادث شعب ابی‌طالب و آنچه در این برهه از تاریخ بر مسلمانان گذشته است را مطالعه می‌کند، عمق این سختی‌ها و ابتلائات را متوجه می‌شود.

این محاصرهٔ سه سال به طول انجامید و در این مدت، فشار و سخت‌گیری مشرکین بر مسلمین به بالاترین حد رسید؛ اما ناله‌های جگرسوز فرزندان «بنی‌هاشم» که به گوش سنگدلان «مکّه» می‌رسید، هیچ در دل‌هایشان تأثیری نداشت. مسلمانان گاهی شبانه‌روز را با



خوردن یک دانه خرما سپری می‌کردند و حتی گاهی همین یک دانه خرما را هم دونیم می‌کردند. در تمام این سه سال، فقط در ماه‌های حرام که امنیت کامل در سرتاسر شبه جزیره حکم فرما بود، بنی‌هاشم از شعب بیرون می‌آمدند تا بتوانند برخی از نیازهای خود را برطرف کنند؛ اما مزدوران قریش، در همین ماه‌ها هم با آزارهایشان، فشار اقتصادی را به‌گونه‌ای دیگر بر مسلمین وارد می‌کردند؛ برای مثال: در بازارها حاضر می‌شدند و هرگاه مسلمان‌ها می‌خواستند چیزی بخرند، دشمنان پیامبر ﷺ فوراً آن را به قیمت گران‌تری می‌خریدند و از این راه، قدرت خرید را از آنان سلب می‌کردند. در این بین، «ابولهب» پافشاری بیشتری بر این آزارها و تحریم‌ها داشت. او در میان بازار فریاد می‌کشید و می‌گفت: مردم! قیمت اجناس را بالا ببرید تا قدرت خرید را از پیروان محمد ﷺ بگیرید!

فشار گرسنگی به حدی رسیده بود که «سعد وقاص» که از همراهان پیامبر ﷺ در شعب بود، می‌گوید: شبی از میان شعب بیرون آمدم، درحالی‌که نزدیک بود تمام قوایم را از دست بدهم. ناگهان پوست خشکیده شتری را دیدم؛ آن را برداشتم و شستم و سوزاندم و کوبیدم؛ بعد با آب مختصری خمیر کرده و از این طریق سه روز را به سر بردم.^۱

اندکی بعد از حوادث دشوار شعب ابی‌طالب که فشارهای بسیاری بر پیامبر ﷺ وارد کرده بود، دو حادثه ناگوار دیگر نیز رخ داد: یکی وفات حضرت خدیجه رضی الله عنها و دیگری وفات حضرت ابوطالب، عموی پیامبر بود. به همین دلیل، این سال را «عام الحزن» نامیدند. اینجاست که زهرای مرضیه رضی الله عنها مسئولیت و نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند. رهبر معظم انقلاب رحمته الله علیه پیرامون نقش بسیار مهم حضرت زهرا رضی الله عنها می‌فرماید:

۱. جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۳۴۲ و ۳۴۳.



فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام این دختر چندساله، تنها کسی است که پیامبر با این عظمت به او تکیه می‌کند. او مثل مادر از پدر بزرگوار خود پذیرایی می‌کند که این قضیه «فاطمه ام ابیها» مربوط به اینجاست. این عظمت را ببینید! یک دختر بچه کم‌سن و سال، در دوران سخت‌ترین محنت‌ها، به فریاد بزرگ‌ترین انسان‌ها می‌شتابد؛ شوخی نیست! همان عنصر است که در طول زمان، در دوران جوانی تا پانزده‌سالگی و شانزده‌سالگی و هجده‌سالگی - بالاخره تا آخر عمر کوتاه - این همه مقامات معنوی را تجربه می‌کند و این همه کار بزرگ انجام می‌دهد و این همه در تاریخ تشییع و اسلام اثر می‌گذارد و خورشید درخشانی می‌شود که تا دنیا دنیاست، خورشید درخشان اظهر زهرای اظهر عَلَيْهَا السَّلَام خواهد درخشید!

یقیناً جایگاه زهرای بتول نزد پیامبر اکرم به این راحتی‌ها برای ما آشکار نمی‌شود و عمق آن برای ما قابل درک نیست. برای توجه بیشتر در این منزلت کم‌نظیر، این روایت زیبا را تقدیم شما می‌کنم. حضرت امیرالمؤمنین، علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

«... إِنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ سِبْطَا هَذِهِ الْأُمَّةِ وَهُمَا مِنْ مُحَمَّدٍ كَمَا أَنَّ الْعَيْنَيْنِ مِنَ الرَّأْسِ وَأَمَّا أَنَا فَكَمَا أَنَّ الْيَدَيْنِ مِنَ الْبَدَنِ وَأَمَّا فَاطِمَةُ فَكَمَا أَنَّ الْقَلْبَ مِنَ الْجَسَدِ...؛ حسن و حسین عَلَيْهِمَا السَّلَام دو سبط این امت هستند، و آن دو برای محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همانند دو چشم برای سرند، و من [برای محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ] همانند دست برای بدن هستم، و فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام [برای محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ] همانند قلب برای بدن».^۲

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب

اسلامی، ۲۶ شهریور ۱۳۷۶، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2854>

۲. بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۲۵۲؛ کتاب سلیم بن قیس، ص ۸۳۰.



چرا «اُمّ ابیها»؟

بدون شک اگر برای زهرای اطهر علیها السلام لقبی نبود مگر همین «اُمّ ابیها» کافی بود تا به مقام و شأن این بانوی با عظمت پی ببریم. از دیگر دلایل و حکمت‌های این کلام نورانی حضرت رسول صلی الله علیه و آله می‌توان به ماجرای نزول آیه ۶ سوره احزاب اشاره کرد. وقتی آیه ۶ سوره احزاب نازل شد که می‌فرماید:

«النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ...»؛ (پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان اولی و سزاوارتر است، و همسران او مادران آن‌ها (مؤمنان) شمرده می‌شوند...)»

برخی از منافقان و آن‌ها که دلشان بیمار بود، سعی کردند تا با دستاویز قرارداد این آیه، جایگاه بعضی از همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله را به واسطه این مقام، بالاتر و برتر از حضرت زهرا علیها السلام جلوه دهند. اینجا بود که پیامبر صلی الله علیه و آله به دستور خداوند، حضرت زهرا علیها السلام را برای مقابله با این فتنه، «اُمّ ابیها» نامیدند تا مردم متوجه جایگاه ایشان شده و بدانند که جایگاه حضرت زهرا علیها السلام از تمام زنان و مردان و همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله برتر بوده و ایشان بعد از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام سرور زنان و مردان عالم تا قیامت هستند.^۱

البته عزیزان! مستحضر باشید که این لقب والا برای زهرای مرضیه علیها السلام نه فقط از باب مقابله با دروغ‌پردازی‌های منافقان بود، بلکه به حقیقت، فاطمه علیها السلام اُمّ ابیها بود؛ چنانکه از بیانات رهبر معظم انقلاب حفظه الله هم روشن شد که ایشان در آن شرایط دشوار شعب ابی‌طالب و پس از آن، نقش مادر را برای پدر ایفا کردند.

۱. «اُمّ ابیها، لقبی که خدا برای حضرت زهرا علیها السلام قرار داد»، پایگاه خبری آستان مقدسه قم.



مادر تمام مؤمنین

نکته مهم‌تر درباره شخصیت والای این بانوی باکرامت این است که زهراى مرضیه علیها السلام نه تنها اُمّ اَبیها و مادر پدرشان بودند، بلکه ایشان مادر تمام مؤمنین هستند؛ چقدر این تعبیر زیارت‌نامه زیباست:

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللَّهِ وَخَيْرَ خَلْقِهِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أُمَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَتِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ»!

سلام بر بانویی که نه تنها مادر امام حسن و امام حسین علیهم السلام است، بلکه مادر تمام مؤمنین عالم است. چه مقامی از این بالاتر؟ نه تنها توفیق نوکری زهرا علیها السلام را داریم، بلکه می‌توانیم او را مادر هم صدا بنزیم.

پابرزمین گذاشتی و خاک، جان گرفت

تا آمدم بگویم زهرا زبان گرفت

گفتم که رخصتی بده بهتر بخوانمت

مهرت اجازه داد که مادر بخوانمت

عرضه بداریم: مادر جان! وقتی شما را مادر صدا می‌زنیم، در وجودمان احساس آرامش و امنیت عجیبی پیدا می‌کنیم. شما خیلی به گردن ما حق دارید. همین که ما را جزء فرزندانتان می‌دانید و اجازه می‌دهید شما را مادر صدا کنیم، برایمان مایه افتخار است. مادر جان! از کودکی با عشق شما رشد کردیم. هر وقت به کارمان گره افتاد، دست به دامان شما شدیم. خانم جان! این مجلس به شما تعلق دارد و محبت شماست که امشب فرزندانتان را زیر این خیمه جمع کرده است. ای کاش امشب آن نگاه مادرانه را شامل حال این فرزندان سراپا تقصیر کنید!

۱. سید علی بن موسی بن طاووس، اقبال الأعمال (ط - القدیمه)، ج ۲، ص ۶۲۴.



در قیامت هم دست به دامان مادریم

بخشی از مادری کردن حضرت زهرا علیها السلام برای فردای قیامت ماست و چشم امید همهٔ مادر قیامت به ایشان است که مادری را در حق ما تمام خواهند کرد. امام صادق علیه السلام دربارهٔ شفاعت حضرت زهرا علیها السلام روایتی دارند که بسیار شنیدنی است. انسان وقتی این روایت را مرور می‌کند، هم حالش دگرگون می‌شود و هم به عظمت این بانوی بزرگوار پی می‌برد. این روایت پرفیض را فرات بن ابراهیم نقل می‌کند:

روزی جابر به امام باقر علیه السلام عرض کرد: فدایت شوم، ای پسر رسول الله! حدیثی دربارهٔ فاطمهٔ زهرا علیها السلام و در فضیلت و شرافت آن بانو برای من نقل کن که چون آن را برای شیعیان بازگو کنم، شادمان شوند!

(ان شاء الله با شنیدن این روایت، حال دل‌مان بهتر خواهد شد. اگر حال دلتان خوب شد و صفای باطن پیدا کردید، همه مؤمنین و مؤمنات، گرفتارها و خصوصاً مردم مظلوم و غیور غزه را هم دعا کنید).

امام باقر علیه السلام فرمودند: پدرم برای من روایت کرد، از جدّم، از رسول خدا صلی الله علیه و آله که چون روز قیامت برپا شود، برای هریک از انبیا و مرسلین منبری از نور قرار می‌دهند و منبر من در آن روز از همه منابر بلندتر است و سپس خداوند می‌فرماید: «يَا مُحَمَّدُ اخْطُبْ!» و من خطبه‌ای می‌خوانم که هیچ‌یک از انبیا و رسل همانند آن را نشنیده‌اند. سپس برای هر یک از اوصیای پیغمبران منبری از نور قرار می‌دهند و برای وصی من علی بن ابی‌طالب در وسط آن منبرها منبری از نور نصب می‌کنند که از همه منبرهای دیگر بلندتر است. سپس خداوند می‌فرماید: «يَا عَلِيُّ اخْطُبْ!»، پس

۱. فرات بن ابراهیم کوفی، تفسیر فرات الکوفی، سورة الشعراء (۲۶): الآيات ۱۰۰ الی ۱۰۲،



علی خطبه‌ای می‌خواند که هیچ‌یک از اوصیای پیامبران همانند آن را ننشیده است و پس از آن، برای اولاد انبیا و مرسلین منبرهایی همانند آن منبرها قرار می‌دهند و برای دو فرزند و دو سبط من و دو ریحانه من در ایام حیات و زندگانی‌ام، منبری از نور می‌باشد. سپس به آن دو گفته می‌شود: «**اُخْطَبَا!**» (خطبه بخوانید) پس آنان دو خطبه می‌خوانند که هیچ‌یک از اولاد انبیا و مرسلین همانندش را ننشیده‌اند.

«**ثُمَّ ينادى المُنَادِى وَ هُوَ جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيْنَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ؟ أَيْنَ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ؟ أَيْنَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ؟ أَيْنَ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ؟ أَيْنَ أُمُّ كُلْثُومٍ أُمُّ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا!**»؛ سپس منادی که جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ است، ندا می‌دهد: کجاست فاطمه دختر محمد؟ کجاست خدیجه دختر خویلد؟ کجاست مریم دختر عمران؟ کجاست آسیه دختر مزاحم؟ کجاست ام‌کلثوم مادر یحیی بن زکریا؟ و همگی برمی‌خیزند.

در این حال، خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «ای اهل جمع و ای گردآمدگان در محشر! امروز گزم و بخشش برای کیست؟ حضرات مُحَمَّد و عَلِی و حسن و حسین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ می‌گویند: **«لِلَّهِ الْوَالِدُ الْقَهَّارُ»**؛ گزم فقط از خداوند واحد قهار است».

(از اینجای روایت دل انسان می‌لرزد و قلبش به تپش می‌افتد؛ روایت عجیبی است).

حضرت در ادامه می‌فرمایند:

خداوند می‌فرماید: ای اهل محشر! من گزم را برای محمد و

۱. «فراش بن ابراهیم» ذیل آیه ۱۱۰ از سوره شعراء، ص ۱۱۳ تا ص ۱۱۵؛ و «بحار الانوار» ج ۸، ص



علی و حسن و حسین و فاطمه علیهم‌السلام قرار دادم. ای اهل محشر! اینک سرهای خود را فرود آورید و چشمان خود را فروافکنید که فاطمه علیها‌السلام به سوی بهشت می‌رود. در این حال، جبرئیل برای او ناقه‌ای بهشتی می‌آورد که دو پهلویش فرو رفته و دهانه‌اش از لؤلؤ تر است و بر روی آن ناقه، جهازی از مرجان است. آن ناقه در برابر حضرت زهرا علیها‌السلام خم می‌شود و حضرت بر آن سوار می‌شوند و خداوند یکصد هزار فرشته را برمی‌انگیزد تا از جانب راست او حرکت کنند و یکصد هزار فرشته دیگر را برمی‌انگیزد تا از جانب چپ او حرکت کنند و یکصد هزار فرشته دیگر را برمی‌انگیزد تا فاطمه را بر روی بال‌های خود گیرند و حرکت دهند و تا در بهشت بیاورند. چون به در بهشت می‌رسد، نگاهی به این طرف و آن طرف می‌افکند و خداوند خطاب می‌کند: ای دختر حبیب من! علت این تو جهت به اطراف چیست؟ در حالی که تو را به بهشت خودم راهنمایی کردم! فاطمه علیها‌السلام می‌گوید: ای پروردگار من! دوست دارم که قدر و منزلتم امروز شناخته شود. خداوند می‌فرماید: ای فاطمه! ای دختر حبیب من! برگرد و بین، در قلب هر که محبت تو یا محبت یکی از ذریه تو باشد، دست او را بگیر و وارد بهشت کن!

عاشقان و دلدادگان حضرت زهرا علیها‌السلام خوب گوش کنید و ببینید حضرت مادر فردای قیامت با فرزندان‌ش و محبان‌ش چه می‌کند. امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

ای جابر! سوگند به خداوند که فاطمه در آن روز شیعیان و محبتان خود را جدا می‌کند، همانند پرنده‌ای که دانه‌های خوب را از دانه‌های بد جدا می‌کند. چون فاطمه با شیعیان خود به در بهشت رسند، خداوند در دل آن‌ها می‌اندازد که نگاهی به اطراف



بیندازند، و چون به اطراف نظر کنند، خداوند می‌فرماید: ای محبّان من! سبب التفات و توجّه شما چیست؟! من که فاطمه دختر حبیب خود را شفیع شما قرار دادم. شیعیان می‌گویند: ای پروردگار! ما دوست داریم که قدر و منزلت ما امروز شناخته شود. خداوند می‌فرماید: ای حبیبان من! بازگردید و نظری بیفکنید و ببینید که هرکس شما را به سبب محبّت به فاطمه دوست داشته است، و هرکس شما را به سبب محبّت به فاطمه غذا و طعام داده است، و هرکس شما را به سبب محبّت به فاطمه پوشانده است، و هرکس شما را به سبب محبّت به فاطمه سیراب کرده است، و هرکس به سبب محبّت به فاطمه، زشتی و غیبتی را از شما برگردانیده است، دست او را بگیرد و داخل در بهشت نماید.

حضرت باقر علیه السلام در پایان روایت، جمله‌ای فرمودند که ما را وامی‌دارد که بر زبان جاری کنیم: حضرت زهرای مرضیه علیها السلام نه تنها مادر مؤمنین، بلکه مادر تمام بشریت هستند؛ حضرت فرمودند:

«سوگند به خدا که در میان مردم، غیر از کافر و منافق و شک‌کننده در امر توحید، هیچ‌کس باقی نمی‌ماند!»، یعنی همه مورد شفاعت حضرت زهرا علیها السلام قرار می‌گیرند. بله، حضرت زهرا علیها السلام در قیامت، مادری را در حق تمام عالم ادا می‌کنند و شاعر چه زیبا سروده است:

نه تنها دم ز ند آدم ز وصفش
 زند دم خالق اعظم ز وصفش
 شکوه رمزی از زهراست زهرا
 قرار نوح در دریاست زهرا
 به زهرا تا تو سل کرد آتش
 به ابراهیم حق شد سرد آتش



مسیحا زد چو بر دامان او دست
گسست از فرش دل، در عرش بنشست
بلی صدیقه کبری است زهرا
قرار کل مافیهاست زهرا
شفاعت در جزا پابست زهراست
نجات ما همه در دست زهراست^۱

حلقه وصل امامت و رسالت

جایگاه این بانوی با عظمت، عجب جایگاهی است! این که می‌گویند حضرت زهرا علیها السلام حامی ولایت شد، سخن کاملی نیست؛ حضرت زهرا علیها السلام نه تنها حامی ولایت، بلکه حامی رسالت هم بود. اگر زهرای مرضیه نبودند، از رسالت هم چیزی باقی نمی‌ماند، و اینجاست که انسان سیر این حدیث قدسی «لولاک» را درک می‌کند که فرمود:

«يَا أُمَّدُ! لَوْلَاكَ مَا خَلَقْتُ الْأَفْلاكَ»؛^۲ هان ای احمد! اگر تو نبودی، جهان را نمی‌آفریدم. «وَلَوْلَا عَلِيٌّ مَا خَلَقْتُكَ»؛ و اگر علی نبود، تو را نمی‌آفریدم. «وَلَوْلَا فَاطِمَةُ مَا خَلَقْتُكُمْ»؛^۳ و اگر فاطمه نبود، من شما دو نفر را نمی‌آفریدم.

آری، اگر پیامبر صلی الله علیه و آله نبود، عالم خلق نمی‌شد؛ چون عالم برای بندگی آفریده شده و در رأس همه بندگان خداوند، پیامبر صلی الله علیه و آله بود، و اگر علی علیه السلام نبود، پیامبر خلق نمی‌شد؛ زیرا آن کسی که باید دین پیامبر

۱. وبگاه «امام هشتم»، دسترسی در:

<https://emam8.com/article/13419/>

۲. محمد باقر مجلسی، مرآة العقول، ج ۲، ص ۲۸۶؛ فیض کاشانی، الوافی، ج ۱، ص ۵۲.

۳. عبدالله بن نورالله بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء إلى الإمام الجواد علیه السلام)، ج ۱۱، قسم ۱، ص ۴۳. رحمانی همدانی، احمد، فاطمه الزهرا بهجه قلب المصطفی، ص ۹ به نقل میرجهانی، سید محمد حسن، جنبه العاصمه، ص ۱۴۸.



را ادامه دهد، علی و سلسله امامت علیهم‌السلام است و اگر فاطمه نبود، نه پیامبری خلق می‌شد و نه حیدری؛ چراکه رسالت و امامت، حافظ و حامی می‌خواهد و آن حافظ و حامی، زهرای مرضیه علیها‌السلام است. حتی کسانی که در سند این روایت اشکالاتی وارد می‌دانند، معتقدند که از جهت دلالت و معنای حدیث، با این بیانی که گفتیم، هیچ خطا و اشتباهی وجود ندارد و ادعای نادرستی نشده است.^۱

حقیقتاً اگر سایه مادری‌های فاطمه زهرا علیها‌السلام نبود، مسیر ولایت و رسالت آبترو و ناتمام می‌ماند. اصلاً کوثر آمد تا خیر کثیر رسالت و ولایت را به عالم برساند. برای همین است که زیر سایه مادر، همه در آرامش‌اند. به حق باید گفت که زهرای مرضیه علیها‌السلام حلقه وصل رسالت و امامت است. آن امامتی که تداوم بخش رسالت است، در دامن زهرای اطهر علیها‌السلام پرورش یافته است.

چادرت رابتکان!

باید به این نکته هم توجه داشته باشیم که فداکردن فرزند توسط یک مادر برای اینکه عالم به هم متصل شود، یکی از ابعاد رازآلود شخصیت حضرت فاطمه علیها‌السلام است؛ یعنی حضرت زهرا علیها‌السلام از این جهت هم حق مادری به گردن مادرند که با محبت فرزندشان نجاتمان می‌دهند. اصلاً اوج ایجاد پیوندهای اجتماعی و همراهی‌ها و همدلی‌های عاشقانه و عارفانه اهل بی‌تی، زیر پرچم همین خانواده و فرزند همین مادر است.

ما همه زیر پرچم ایشان یک خانواده‌ایم؛ برای آنکه به دست مبارک مادر، عاشق این فرزند شده‌ایم و او با حسینش همه را دور هم جمع می‌کند. او با حسینش و حسینیه‌ها و محافل برپا شده برای فرزندش،

۱. بنابر نظر بزرگانی چون آیت الله شبیری زنجانی، اگرچه سند حدیث «لولا فاطمه» ضعیف است، ولی مضمون آن قابل دفاع است



عالم را به هم متصل می‌کند؛ پیوند می‌زند و در اربعین رنگ و قومیت و نژاد نمی‌شناسد. همه را در کنار هم متصل می‌کند. این رسم مادر است. ما همگی زیر سایه او هستیم. او ما را مانند مادری دلسوز در زیر سایه چادرش پنهان می‌کند. استاد اخلاق و ادب، مرحوم علامه مصباح یزدی چه نگاه زیبایی به این موضوع دارند:

«چادر حضرت زهرا علیها السلام که چندین وصله داشت، از تمام کهکشان‌های عالم ارزشش بیشتر است؛ همه عالمیان افتخار می‌کنند که یک سایه‌ای از آن چادر به سرشان بیفتد»^۱.

چادرت را بتکان روزی ما را بفرست

ای که روزی دو عالم همه از چادر توست

این بر زبان ایشان و هر انسان عاشقی جاریست که خود را زیر سایه امّ الائمه، حضرت مادر، صدیقه کبری علیها السلام احساس می‌کند.

به نام مادر!

هرچه ما از مقام و جایگاه این بانوی با عظمت سخن بگوییم، باز نمی‌توانیم حق او را ادا کنیم. گوشه‌ای از عظمت این بانو در حدیث شریف و نورانی کساء به نمایش گذاشته شده است. انسان مبهوت می‌ماند! چرا همه را با حضرت مادر صدا می‌زنند و معرفی می‌کنند؟ چرا ایشان محور می‌شوند؟ آنجا که جبرائیل امین از درگاه پروردگار متعال سؤال می‌کند: «**يَا رَبِّ وَمَنْ تَحْتَ الْكِسَاءِ**»؛ این‌ها چه کسانی هستند که زیر این کساء گرد آمده‌اند؟ و ربّ جلیل به معرفی اهل کساء با محوریت فاطمه زهرا علیها السلام می‌پردازد و می‌فرماید: «**هُمُ أَهْلُ بَيْتِ النَّبِيِّ وَمَعْدِنُ**

۱. «چادر مادر» در بیان مرحوم آیت‌الله مصباح یزدی رحمته الله علیه، ۲۸ دی ۱۳۹۹، دسترسی در: <https://www.hawzahnews.com/news/939442>.



الرِّسَالَةَ هُمْ فَاطِمَةُ وَأَبُوهَا وَبِعْلَاهَا وَبَنُوهَا؛^۱ این‌ها فاطمه و پدرش؛ فاطمه و شوهرش؛ فاطمه و فرزندان‌ش عَلَيْهِمُ السَّلَامُ هستند؛ یعنی خدای متعال، با حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ پیامبر مهربانی‌ها صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را معرفی می‌کند؛ با حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَامُ را معرفی می‌کند؛ و با حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ حسنین عَلَيْهِمَا السَّلَامُ را معرفی می‌کند؛ گویی مادر ما حضرت زهرا اطهر عَلَيْهَا السَّلَامُ برای اهل آسمان شناخته شده است.

برخی هم از این فراز حدیث، این تحلیل را ارائه کرده‌اند: شاید محور قرار دادن حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ و معرفی اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ با ایشان، اشاره‌ای ظریف باشد به اصل بودن و ریشه‌بودن و محوربودن مادر؛ آن هم مادری که محور عالم است، و انسان وقتی می‌اندیشد که چگونه با صدیقه طاهره عَلَيْهَا السَّلَامُ رفتار کردند، دلش سخت می‌شکند. سخن‌گفتن از جسارت و توهین و هتک حرمت و ضرب‌وشتم و شهادت مادری که محور عالم هستی است، سخت و جان‌فرساست. مگر نبودند همین شهدای عزیز دفاع مقدس که پشت لباسشان می‌نوشتند: «می‌روم تا انتقام سیلی زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ را بگیرم» یکی از بچه‌های تفحص شهدا تعریف می‌کردند:

یک مدت علی‌رغم تلاش زیاد رفقا، شهیدی پیدا نمی‌شد. تا اینکه یک روز یکی از بچه‌های تفحص نوار روضه فاطمیه را گذاشت. ناخودآگاه اشک همه جاری شد و تفحص را شروع کردیم. همان روز پیکر دو شهید پیدا کردیم که کنار هم افتاده، و صورتشان روبه‌روی همدیگر بود. در کمال تعجب دیدم پشت پیراهن هر دوفرشته پر کشیده، نوشته شده: «می‌روم تا انتقام سیلی زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ بگیرم».^۲ گویا ناله مادرشان را هنوز از کوچه‌های بنی‌هاشم می‌شنیدند و به یاری‌اش

۱. حدیث شریف کساء.

۲. شهید گمنام، ص ۲۰۱



می‌شتافتند. شهید «پلارک» که سال‌هاست از مزار مطهرش بوی عطر به مشام می‌رسد^۱ و خودش معجزه‌ای از معجزه‌های مادری و اثرات مادرانه‌های حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است، در دست‌نوشته‌ای خطاب به امام حسین علیه السلام می‌نویسد: «آقا جان! وقتی ما به جبهه می‌رویم، به این نیت می‌رویم که انتقام سیلی‌ای که آن نامردان بر روی مادر شیعیان زدند، بگیریم. برای انتقام آن بازوی ورم‌کرده می‌رویم. برای انتقام آن سینه سوراخ شده می‌رویم»^۲.

علامه امینی رحمه الله زیر سایه مادر

حضرت زهرا علیها السلام حق زیادی به گردن ما دارد. اگر نبود این مادر، مسیر ولایت منحرف می‌شد. ایشان بود که در حق ما، مادری کرد و تمام قد ایستاد و از خط ولایت دفاع کرد تا فرزندانش راه هدایت را گم نکنند. نقل می‌کنند: یکی از علمای اهل سنت، علامه امینی رحمه الله، صاحب کتاب گران سنگ «الغدیر» را برای صرف شام دعوت می‌کند، اما علامه امینی گویا حضور در این مجلس را مصلحت نمی‌داند و از حضور در این مجلس امتناع می‌ورزد؛ تا اینکه با اصرار این عالم سنی روبه‌رو می‌شود؛ لذا این دعوت را می‌پذیرد، اما به این شرط که در مجلس، مجادله و بحث صورت نپذیرد و میزبان هم قبول می‌کند.

ظاهراً مجلس باشکوهی با جمع کثیری از علمای اهل سنت بوده است. البته برخی قصد شیطنت و کوچک‌کردن این عالم جلیل‌القدر و متبخر در مباحث ولایت و امامت را داشتند. پس از صرف شام، یکی از علمای اهل سنت سعی می‌کند بحثی را آغاز کند که علامه شرط

۱. دوازده خاطره ناب از شهید پلارک که تاکنون نخوانده‌اید، ۶۶، ۱۳۹۵، دسترسی در: <https://navideshahed.com/fa/news/395164/12>

۲. چهل وصیت‌نامه از چهل فرمانده دفاع مقدس (وصیت‌نامه شهید سیداحمد پلارک)،

دسترسی در:

<http://pajuhesh.irc.ir/product/book/show.text/id/2874/order/12>



حضور خود را یادآور می‌شود. برخی پیشنهاد می‌کنند با توجه به اینکه حاضرین جلسه از حافظان حدیث هستند، از باب تبرک، حدیثی بخوانند و علامه هم این پیشنهاد را می‌پذیرد. حاضرین یکی پس از دیگری شروع به خواندن حدیث می‌کنند تا نوبت به علامه امینی رحمته الله می‌رسد. ایشان می‌فرمایند: بنده برای خواندن حدیث، شرطی دارم و شرطم این است که ابتدا همگی بر معتربودن یا نبودن سند حدیث اقرار کنید؛ همه قبول می‌کنند. سپس علامه امینی رحمته الله شروع به خواندن حدیث می‌کند.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»؛ هرکس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است. بعد، علامه از تک‌تک حاضرین در جلسه درباره معتربودن حدیث اقرار می‌گیرد و همه سند حدیث را تأیید می‌کنند. سپس ایشان سؤالی را از حاضرین می‌پرسد که جلسه را در بهت و حیرت فرو می‌برد. ایشان می‌پرسد: آیا فاطمه زهرا علیها السلام امام زمان خود را می‌شناخت یا نمی‌شناخت؟ اگر می‌شناخت، امام زمان فاطمه علیها السلام چه کسی بود؟

تمام حضار مجلس مدتی طولانی ساکت می‌شوند و سر به زیر می‌اندازند؛ چراکه پاسخی نداشتند؛ لذا یکی پس از دیگری مجلس را ترک می‌کنند.

بله، زهرا علیها السلام زهره‌ای است که حق را از باطل جدا و مسیر را برای یافتن حقیقت و هدایت روشن می‌کند.^۱ پروردگارا! زهرای مرضیه پناه همه ماست؛ نه تنها پناه ما، بلکه پناه اهل بیت علیهم السلام است؛^۲ خدایا! دست ما

۱. «استدلال علامه امینی رحمته الله و سؤالی که بی‌جواب ماند!»، مجمع جهانی شیعه‌شناسی،

دسترسی در: B2n.ir/d10707

۲. استاد حوزه و مدیر گروه کلام موسسه باقر العلوم در گفتگو با قدس آنلین:

حضرت زهرای اطهر علیها السلام بر همه ائمه حجت بوده‌اند



راز دامان این مادر مهربان کوتاه مفرما؛ بارالها، به نورانیت زهرای اطهر، ما را بیش از پیش با حقیقت نورانی این بانو آشنا بفرما و شفاعت حضرتش را در قیامت شامل حال همه ما بگردان.

خود را زیر سایه‌اش قرار دهیم

از آنجا که در این روزها و شب‌ها قرار است بر سر سفره این بانوی با عظمت بنشینیم و از او الگو بگیریم، هر قدر با مقام والای او آشنا شویم، کمک می‌کند که انس بیشتری با ایشان بگیریم و در الگوگیری از او بهتر عمل کنیم. لذا سعی کردیم تا شب اول را به بیان مقام و جایگاه والای این بانو اختصاص دهیم؛ هر چند هر چه از مقام و عظمت او بگوییم، نمی‌توانیم حقش را ادا کنیم. البته برخی از معرفت‌ها هم گفتنی نیست، به دست آوردنی است. باید بیابیم؛ با نوکری در خانه مادر سادات؛ با اشک، با گریه، با توجه، با توسل، همان‌گونه که شهدا عمل کردند و یافتند. در بیانات عارفانه و عاشقانه شهید و الامقام «ناصریان» در مورد مادرمان آمده است:

«از مادرم فاطمه زهرا علیها السلام، از بهترین مادر دنیا صحبت کردن، برایم مشکل است. زهرا زهرا زهرا یا زهرا؛ زهرا مادر پهلوشکسته ماست. مادری که برای خدا زیست و همه زندگی‌اش جلوه‌ای خدایی است... قبل از این که به این جا (جبهه) بیایم، کم می‌شناختمش و با هم میانه‌ای نداشتیم. در یکی از دعاهاى توسل که شبی از ده شب اول آندم (به جبهه) برپا شده بود، یک مرتبه حس کردم انگار میان من و زهرا علیها السلام حجابی نیست. من او را نمی‌دیدم، اما انگار او حرف‌هایم را

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: هر وقت از جایی مایوس می‌شویم به مادرمان زهرای اطهر علیها السلام متوسل می‌شویم. حضرت فاطمه خیر کثیر قرآنی نام می‌گیرد چرا که عظیم‌ترین وسیله هدایت امت اسلامی می‌باشد.



می شنید و من هم پشت سرهم با او حرف می زدم و درد دل می کردم و این برنامه شب های بعد هم در دعاهاى توسل و در خلوت بیابان ها ادامه داشت. هرگاه مسئله ای دارم یا مشکلی که حل نمی شود، به سراغش می روم. اگر خالص شویم و تزکیه پیدا کنیم ان شاء الله توسل به حضرت زهرا علیها السلام سریع الاجابه است. البته هر خواسته ای هم که اشتباه بوده یا زود بوده، جواب نداده، و به نحوی هم فهمانده که چرا جواب نداده است»^۱.

برخی از شهدا انس عجیبی با حضرت زهرا علیها السلام داشتند. خدا بر مقامات شهید و الامقام شهید «برونسی» بیفزاید. داستان های توسل این شهید عزیز در کتاب «خاک های نرم کوشک» آمده است. بسیار عجیب و باور نکردنی است. همرمز شهید می گوید:

«دشمن با تمام وجودش آتش می ریخت. در مقابل، عبدالحسین دستور داده بود که ما حتی یک گلوله هم شلیک نکنیم. کنار عبدالحسین دراز کشیده بودم؛ گفت: یک خبر از گردان بگیر، بین وضعیت چطور است. سینه خیز رفتم تا آخر ستون. سیزده، چهارده تا شهید داده بودیم. با آن حجم آتش که دشمن داشت و با توجه به موقعیت ما، این تعداد شهید، خودش یک معجزه به حساب می آمد. دوباره برگشتم پیش عبدالحسین. به نظر می آمد خواب باشد. آهسته صدایش زدم. سرش را بلند کرد. گفتم: می خواهی چه کار کنیم؟ گفت: تو بگو چه کار کنیم سید؟ گفتم: روشن است که باید به عقب برگردیم. سریع گفت: چی؟! مگر می شود برگردیم؟!»

چند لحظه ای ساکت ماند. دقیقاً یادم هست همان جا صورتش را گذاشت روی خاک های نرم و رملی کوشک. منتظر بودم نتیجه بحث

۱. شهید سید محمد رضا ناصریان و حضرت زهرا علیها السلام، دسترسی در:

<http://www.yaraneasmany.ir/Home/Personal/250>



را بدانم. بالاخره عبدالحسین به حرف آمد. صدایش با چند دقیقه پیش فرق می‌کرد؛ گرفته بود؛ گفت: سید کاظم! خوب گوش کن ببین چی می‌گم؛ هرچی که می‌گم، دقیقاً همون کار را انجام بده. خودت می‌روی سر ستون، یعنی نفر اول؛ سر ستون که رسیدی، اونجا درست برمی‌گردی سمت راستت، ۲۵ قدم می‌شماری. مکتی کرد و بعد با تأکید گفت: دقیق بشماری‌ها. مات و مبهوت، فقط نگاهش می‌کردم. گفت: ۲۵ قدم که شمردی و تموم شد، همون جا یک علامت بگذار، بعدش برگرد و بچه‌ها رو پشت سرخودت ببر اون جا. وقتی به اون علامت که سر ۲۵ قدم گذاشته بودی، رسیدی، این دفعه رو به دشمن، چهل متر می‌ری جلو؛ به مجردی که من گفتم الله اکبر، شمارد انگشت من را می‌گیری و شلیک می‌کنید به همان طرف؛ بعد بلافاصله حمله رو شروع می‌کنید.

بعد عبدالحسین سرش را بلند کرد رو به آسمان. این طرف و آن طرفش راجور خاصی نگاه کرد. دعایی هم زیر لب خواند. یک هو صدای نعره‌اش رفت به آسمان؛ الله اکبر! پشت سرش سید فریاد زد: یا حسین، و شلیک کرد. گلوله‌اش خورد به یک نفر بر که منفجر شد و روشنایی‌اش منطقه را گرفت. بلافاصله چهار، پنج تا گلوله (آرپی‌جی) دیگر هم زدند و پشت آن، با صدای تکبیر بچه‌ها حمله شروع شد. دشمن قبل از این‌که به خودش بیاید، تارومار شد.

طبق معمول تمام عملیات‌ها، باید دنبال مجروحان یا شهدایی می‌رفتیم که احتمالاً جا مانده بودند. رسیدیم جایی که دیشب زمینگیر شده بودیم. به راننده گفتم: همین جا نگه دار. نگه داشت. پریدم پایین. روبه‌رومان انبوهی از سیم‌خاردهای حلقوی و موانع دیگر، خودنمایی می‌کرد. ناخودآگاه یاد دستور دیشب عبدالحسین افتادم: «۲۵ قدم می‌ری به راست». سریع سمت راستم را نگاه کردم؛



خشکم زد! کمی بعد به خودم آمدم. شروع کردم به قدم زدن و شمردن قدم‌ها، شماره‌ها را بلند بلند می‌گفتم، و بی‌پروا: یک، دو، سه، چهار... . درست ۲۵ قدم آن طرف‌تر، مابین انبوه سیم‌خاردهای حلقوی و موانع دیگر دشمن، می‌رسیدی به یک معبر که باریک بود و خاکی! فهمیدم این معبر، در واقع کار عراقی‌ها بوده برای رفت‌وآمد خودشان و خودروهاشان. ما هم درست از همین معبر رفته بودیم طرف آن‌ها. بی‌اختیار انگشت به دهان گرفتم و زیر لب گفتم: الله اکبر!

بعد که برگشتیم، یک راست رفتم سراغش. بی‌مقدمه پرسیدم: جریان دیشب چه بود؟ طفره رفت. قرص و محکم گفتم: تا نگوئی، از اینجا تکان نمی‌خورم؛ یعنی اصلاً آرام و قرار نمی‌گیرم. کم‌کم اصرار من کار خودش را کرد. یک دفعه چشم‌هایش خیس اشک شد و به ناله گفت: برایت می‌گویم. گفت: موقعی که عملیات لو رفت و در آن شرایط گیر افتادیم، مثل همیشه، تنها راه امیدی که باقی مانده بود، توسل به واسطه‌های فیض الهی بود. در همان حال و هوا، صورتم را گذاشتم روی خاک‌های نرم منطقه و متوسل شدم به وجود مقدس خانم حضرت فاطمه زهرا علیها السلام. در همان اوضاع، یک دفعه صدای خانمی به گوشم رسید؛ به من فرمودند: فرمانده! (یعنی آن خانم، به همین لفظ فرمانده صدایم زدند) و فرمودند: این‌طور وقت‌ها که به ما متوسل می‌شوید، ما هم از شما دستگیری می‌کنیم، ناراحت نباش!^۱

برایمان مادری کن

بله، با مادرمان حضرت زهرا علیها السلام می‌توانیم راه را پیدا کنیم. در این شب‌ها که به بانو تعلق دارد، بهترین فرصت بهره‌بردن از سفره کرم مادر است.

۱. رک: خاک‌های نرم کوشک.



سائلم بر سفره‌ای که سفره‌دارش فاطمه است
 هرکه می‌آید کنار آن، کنارش فاطمه است
 معنی خیر کثیر این است، اگر لطف
 خدا بر زمین جاری است، قطعاً آبشارش فاطمه است
 پنج بار از آن کساء خورشید اگر بیرون زده
 مطمئناً منشأ هر پنج بارش فاطمه است
 شرط پیغمبر شدن، بوسه به دست فاطمه است
 تاج پیغمبر نگین افتخارش فاطمه است

کدام پیغمبر؟ همان آقایی که وقتی زهرا علیها السلام را می‌دید می‌فرمود:
 «فادا ابوها...»^۱ همان پیامبری که عاشق زهراست، فرمود: «هرکس
 زهرا را آزار دهد، من پیامبر خدا را آزار داده است»^۲ همان پیغمبری که
 زهرا هم از فراقش آن قدر گریه می‌کرد.

علامه مجلسی رحمته الله از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کنند که فاطمه زهرا علیها السلام
 پیراهن پدرش را روی سر می‌انداخت و گریه می‌کرد.^۳ امیرالمؤمنین علیه السلام
 پیراهن پیامبر را مخفی کرد که زهرا کمتر گریه کند؛ اما یک روز عرض کرد:
 علی جان! می‌شود پیراهن پدرم را به من بدهی؛ دلم برای بوی پیامبر
 تنگ شده. امیرالمؤمنین تا پیراهن را آورد، زهرا علیها السلام آن را بر سر انداخت
 و ناله‌های زد و «عُثِیَ علیها...» یک وقت مادر سادات بر روی زمین
 افتاد...

می‌خواهم بگویم: زهرا جان! پیراهن پدر گرامی‌تان رسول خدا صلی الله علیه و آله

۱. روضة الواعظین، ج ۲، ص ۴۴۳.

۲. بحار الانوار، ج ۳۰، ص ۳۵۳؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۸۶؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۹۰۳؛
 سنن ابن ماجه، ج ۳، ص ۴۱۲؛ سنن الکبری، ج ۵، ص ۹۷؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۳۱،
 ص ۲۲۹.

۳. بحار الانوار مجلسی، ج ۷۸، ص ۲۳۳.



را دیدید و طاقت نیاوردید؛ اما مادر جان! الحمدلله پیراهن پدر خونی نبود... نیزه خورده نبود... شمشیرخورده نبود؛ اما من بمیرم برای زهرای سه ساله... ای کاش پیراهن خونی بابایش را برایش می آوردند... یا صاحب الزمان عذر می خواهم؛ یک وقت روپوش طبّی را کنار زد، دید سربریده بابایش حسین است. با تعجب نگاه کرد و صدا زد: «یا عَمَّتِ هَذَا رَأْسُ مَنْ؟» سر بابا را به بغل گرفت و صدا زد: «یا أَبَتَاهُ مَنْ ذَا الَّذِي أَيْتَمَنِي عَلَى صِغَرِ سِنِّي؟ يَا أَبَتَاهُ، مَنْ ذَا الَّذِي خَصَّبَكَ بِدِمَائِكَ!»؛ ای پدر! کی مراد در کودکی یتیم کرد؟! پدر جان! کی تو را با خونت خضاب کرد؟

من نمی دانم دست این بچه به کجا رسید که یک وقت ناله زد: «یا أَبَتَاهُ مَنْ ذَا الَّذِي قَطَعَ وَرِيدِيكَ!»؛ ای پدر! کی رگ های گردنت را بریده....

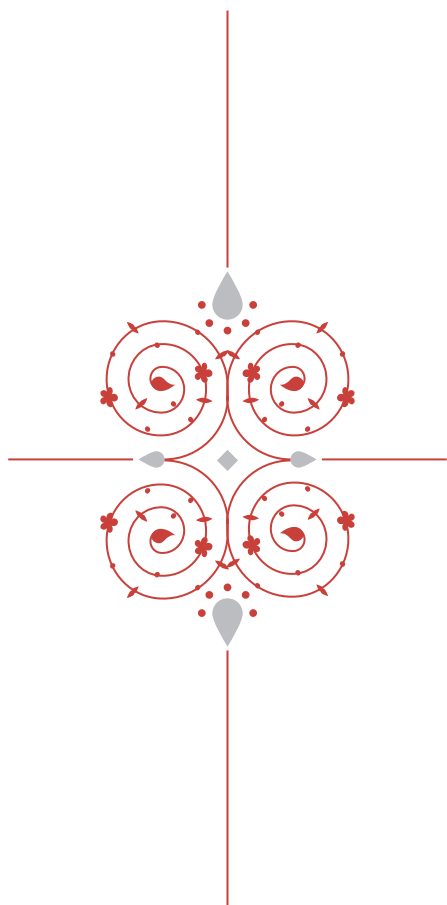
زهرای سه ساله به دوستانش قول بهشت داده است

بر روی گفته خویش او پا نمی گذارد

از بس گناهکاریم ما مستحق ناریم

باید که سوخت ما را، زهرای سه ساله پا نمی گذارد





جلسه دوم

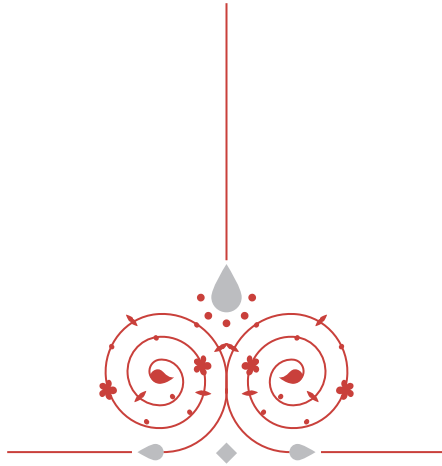
ظلم خاموش!

بررسی جایگاه زن در اسلام و غرب، با توجه به
سیره نبوی و فاطمی
و اثبات وجود ظلمی خاموش در حق زنان در
نگرش‌های غیراسلامی

پرنیان



قدرت و شکوه زن



سیر بحث جلسه دوم

۱. ذکر احترامات ویژه پیامبر اسلام ﷺ به حضرت زهرا علیها السلام؛
۲. این همه احترام در کدام دوره از زمان؟
۳. ظلم‌های جاهلیت اولی به زن؛
۴. طلوع اسلام و هویت بخشی به زن؛
۵. ظلم مجدد به زن، با فمینیسم، یعنی جاهلیت مدرن؛
۶. پیامدهای فمینیسم؛
۷. آزادی زن در اسلام.

عجب احترامی

روایتی بسیار عجیب و زیبا هست که البته همه شما عزیزان آن را شنیده‌اید؛ روایتی که در شأن نزول آیه تطهیر نازل شده است؛ همان آیه‌ای که خداوند در شأن و جلال و عظمت اهل بیت پیامبر گرامی اسلام ﷺ نازل فرموده است: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»^۱.

روایت از ابن عباس نقل شده؛ می‌گوید: بعد از نزول آیه تطهیر، پیامبر ﷺ به مدت نه ماه هنگام نماز، کنار خانه حضرت امیرالمؤمنین می‌آمدند و می‌فرمودند: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ أَهْلَ الْبَيْتِ، إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» این سلام را هر روز پنج مرتبه به حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ و اهل بیت ایشان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ می‌فرستادند.^۲

۱. احزاب، ۳۳.

۲. «ابن مردویه، عن ابن عباس رضي الله عنه قال: شهدنا رسول الله صلى الله عليه وسلم تسعة أشهر، يأتي كل يوم باب علي بن أبي طالب رضي الله عنه عند وقت كل صلاة، فيقول: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا».



روایت نمی‌گوید یک ماه و دو ماه، بلکه نه ماه؛ آن هم نه یک مرتبه! هر روز و روزی ۵ مرتبه این عمل تکرار می‌شد!

یکی از سنت‌های اخلاقی پیامبر ﷺ که از شیعه و اهل سنت نقل شده، این بود که آخرین دیدارشان به هنگام سفر، و نخستین دیدارشان پس از بازگشت، با صدیقه طاهره ﷺ بوده است و چنان با حضرت رفتار می‌کردند که بینندگان را به شگفتی وامی‌داشت؛ می‌فرمود: «فداک ابوک یا فاطمة؛ پدرت به قربان تو باد ای فاطمه!»^۱

اگر قرار باشد انسان به سفری طولانی برود و مدتی از خانواده دور باشد، آخرین نفری که با او خداحافظی می‌کند، همان کسی است که او را بسیار دوست دارد و هنگامی که از سفر بازمی‌گردد، اولین نفری که به او سر می‌زند، همان کسی است که بسیار دوستش دارد.

از عایشه نقل شده است: «هرگاه رسول خدا ﷺ از مسافرت بازمی‌گشت، گلوی فاطمه ﷺ را می‌بوسید و می‌فرمود: "بوی بهشت را از او استشمام می‌کنم!"»^۲

ابو ثعلبه خُشنی می‌گوید: «هرگاه رسول خدا ﷺ از مسافرت بازمی‌گشت، به منزل فاطمه ﷺ وارد می‌شد؛ فاطمه ﷺ نیز به استقبال ایشان می‌رفت و حضرت او را در آغوش می‌گرفت و بین دیدگانش را می‌بوسید»^۳.

الصلاة رحمك الله»، كل يوم خمس مرات» (ابن مردويه، مناقب علی بن ابی طالب عليه السلام و منازل من القرآن في علي، ص ۳۰۵).

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۴۹۰.

۲. «عن عائشة أن النبي (عليه الصلاة والسلام) إذا قدم من سفر قتل ما بين عيني فاطمة، و قتل نحرها و قال: منه أشم رائحة الجنة» (عدهای از علمای شیعه، مجموعه نفیسه فی تاریخ الأئمة عليهم السلام، ص ۱۷۹).

۳. «أبو ثعلبة الخشني قال: كان رسول الله ﷺ إذا قدم من سفره يدخل على فاطمة فدخل عليها فقامت إليه و اعتنقته و قبّلت بين عيني» (ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل ابی طالب عليهم السلام، ج ۳، ص ۳۳۲).



و صدها روایت دیگر از احترامات خاص نبی مکرم اسلام ﷺ نسبت به نازدانه خلقت، بی‌بی دوعالم حضرت زهرا علیها السلام، از تعظیم و احترام گرفته تا دست‌بوسی ایشان.

این همه احترام در کدام دوره از زمان؟!

اما سؤال مهمی که مطرح می‌شود، این است که این احترامات خاص در چه برهه‌ای بوده است؟

آیا سایر پدران نیز چنین احترامی برای دخترانشان قائل بودند؟

آیا دختران در آن زمان چنین جایگاهی داشتند؟

آیا اصلاً کسی در آن زمان، برای دختر احترامی قائل بود؟

تمام این احترامات پیامبر ﷺ به دختر مطهر خود، در زمانی بود که هیچ‌کس دختر را قبول نداشت! دختردار شدن را مایه ننگ خود می‌دانست و هرکس صاحب دختری می‌شد، تنها کاری که در حق او انجام می‌داد، زنده‌به‌گور کردن دختری بی‌گناه بود!

دلِ سنگ آب می‌شود

روزی شخصی به نام قیس بن عاصم به خدمت پیامبر ﷺ رسید و عرض کرد: یا رسول الله ﷺ من دوازده دخترم را زنده‌به‌گور کرده‌ام و بابت هیچ‌کدامشان حتی ذره‌ای ناراحت نشده‌ام؛ مگر برای یکی از آن‌ها! روزی برای کاری به مسافرتی دور و دراز رفته بودم. وقتی از همسرم خداحافظی کردم، او باردار بود و چیزی به وضع حملش نمانده بود. سفرم به درازا کشید و وقتی بازگشتم، دریافتم که همسرم فارغ شده و کودکم مرده به دنیا آمده است. سال‌ها بعد، روزی در خانه نشسته بودم که ناگهان در باز شد و دختری بسیار زیبا و خوش قد و قامت وارد شد و از من سراغ مادرش را گرفت. دختری بسیار زیبا با گیسوانی بلند



و بافته و گردنبندی که زیبایی و معصومیت چهره‌اش را دوچندان می‌کرد! با تعجب برخاستم و از همسرم پرسیدم: این دختر زیبا کیست که تو را مادر خطاب می‌کند؟ همسرم که به شدت ترسیده بود، با چشمانی اشک‌آلود گفت: ای قیس! امان بده! او دختر توست؛ همان که وقتی به دنیا آمد، تو در سفر بودی. من از ترس تو پنهانش کردم!

زبانم بند آمده بود و پاسخی ندادم و خانه را ترک گفتم. روزی او را به بهانه گردش به صحرا بردم و شروع به کندن گودالی کردم و دخترم پیوسته می‌پرسید: پدر جان! چرا زمین را می‌کنی؟ دنبال چه می‌گرددی؟ می‌خواهی کمکت کنم؟ سرانجام گودال آماده شد. دستش را گرفتم و کشان‌کشان درون گودال انداختم و خاک‌ها را به سر و صورتش می‌ریختم. ناله‌های دلخراش او از درون گودال به گوشم می‌رسید که التماس می‌کرد: پدر! پدرجان! چرا مرا در زیر خاک پنهان می‌کنی؟!

واقعاً انسان چقدر می‌تواند سنگدل باشد؟! انسان وقتی این‌ها را می‌شنود، واقعاً متأثر می‌شود، وای به حال دل مهربان و رقیق رسول مهربانی‌ها صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ! نمی‌دانیم شنیدن این جنایت هولناک با دل رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چه کرد؛ اما نوشته‌اند چشمان زیبای رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از اشک، خیس شده بود و همه شنیدند که فرمودند: «إِنَّ هَذِهِ لَمَسْوَةٌ وَمَنْ لَا يُرْحَمَ لَا يُرْحَمُ»؛ این کار سنگدلی است و کسی که رحم و عاطفه نداشته باشد، مشمول رحمت الهی نمی‌شود.^۱

ظلم‌های جاهلیت اولی به زن

این همان نگرش منفی جاهلیت اولی نسبت به زن بوده است. زن در جاهلیت اولی، موجودی کاملاً بی‌اختیار و محدود بود که فقط در مواردی خاص کارایی داشت و در غیر آن‌ها هیچ ارزش و احترامی

۱. عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ج ۱، ص ۴۶.



نداشت. زن، مخلوقی بود بین انسان و حیوان که فایده خلقت او فقط تکثیر نسل و خدمت به مرد بود.^۱

رسم برخی از قبایل عرب بر این بود که دخترانشان را پیش از به دنیا آمدن، شوهر می دادند!^۲ برخی مثل قیس به محض تولد دختر، او را زنده به گور می کردند تا سریع تر این لکه ننگ را از دامان خود پاک کنند! زنان همیشه خادم مردان بودند و کاری به جز زایش پسر و تربیت جنجگو نداشتند.^۳ از دواج با کنیزان را حق مسلم خود می دانستند و فرزندان حاصل از آن را برده خود می پنداشتند.^۴

مردان در قبال دریافت پول، زنانشان را طلاق می دادند.^۵ زنان هیچ ارثی از پدران و همسران خود نمی بردند.^۶ پسران همیشه بر دختران ترجیح داده می شدند. در بعضی قبیله ها زنان از خوردن گوشت که خوراک لذیذی است، ممنوع بودند.^۷

در جزیره «تاشمانی» (از جزایر اقیانوسیه) و استرالیا در بعضی موارد، با گرسنگی دادن، دختران خود را می کشتند و گوشت آنان را می خوردند! در بعضی از نقاط هندوستان، زنده بودن پس از مرگ شوهر را برای زن روا نمی دانستند و پس از چهل روز از مرگ شوهر، زن را می کشتند یا

۱. پیرمردیان و دیگران، مقایسه وضعیت زن در دوره جاهلیت و بعد از اسلام، ص ۴ (به نقل از: تمدن اسلام و عرب، ص ۵۱۳).

۲. مطهری، مجموعه آثار (نظام حقوق زن در اسلام)، ج ۱۹، ص ۸۸.

۳. مقایسه وضعیت زن در دوره جاهلیت و بعد از اسلام، ص ۱۸ (به نقل از: تاریخ تمدن، ترجمه علی صارمی و دیگران، ج ۴، ص ۲۴۲).

۴. همان، ص ۸.

۵. همان، ص ۱۱ (به نقل از: الحیاط العربیه من الشعر الجاهلی، ص ۵۱).

۶. همان، ص ۱۳ (به نقل از: اسد الغایة، ج ۵، ص ۴۱۸).

۷. مبلّغ، بررسی تطبیقی زن در نگاه جاهلیت ادیان و اسلام و فمینیسم، ص ۶.



در آتش می‌سوزانند!^۱ در مصر برای پرباب شدن رود نیل، دختران را به زیورآلات آراسته و در آن غرق می‌کردند!^۲ بعضی از رومیان به منظور ازدیاد نسل، زنان خود را به دیگر دوستانشان به قرض و کرایه می‌دادند!^۳

طلوع اسلام و هویت بخشی به زن

این برخورد اسفبار و جاهلانه تاریخ با زن بوده است! اما ظهور اسلام برابر بود با مقابله با این ظلم. اسلام که آمد، زن دارای شخصیتی الهی شد. اسلام به زن، هم شخصیت بخشید و هم به او هویت داد. زن قبل از اسلام، اصلاً ارزشی نداشت و موجودی پست‌تر از مرد بود؛ اما اسلام در عرصه‌های مختلف به زن هویت بخشید و رشد داد. بعد از اسلام بود که زن، معنای مادری، همسری و دختری را درک کرد. اسلام با ظلم به زن مقابله کرد و حضور اجتماعی زن، پس از اسلام تازه معنا یافت. حضور زنانی چون حضرت خدیجه و حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام دنیایی جدید را به روی زنان گشود؛ چه در عرصه‌های سیاسی، چه عرصه‌های اقتصادی و چه فرهنگی و تربیتی.

در یک کلام، اسلام به زن اجازه نقش‌آفرینی در همه عرصه‌ها را داد و او را از لکه‌ای ننگین در جاهلیت اولی، به شخصیتی الهی تبدیل کرد که اول شخص عالم هستی، یعنی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به دخترش لقب «**أُمِّ أَبِيهَا**» رامی‌بخشد و او را جرگه‌گوشه خود صدامی‌کند: «**فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي**».^۴

فمینیسم، ظلم مجدد به زن

تاریخ ورق خورد و شیاطین انسی و جئی، دست از ظلم به زن برنداشتند

۱. همان.

۲. همان

۳. همان.

۴. شیخ صدوق، الامالی، ص ۴۸۶.



و پس از گذشت مدتی طولانی، ظلمی جدید و البته مدرن را بر زن تحمیل کردند. ظلمی که با ظاهر زیبایش، دل فریب بود و با باطنی که داشت، زن و هویت زنانه اش را به قهقرا می برد. ظلمی بزرگ، به نام فمینیسم یا همان مدعیان آزادی زن.

«فمینیسم»^۱ واژه ای فرانسوی است که در قرن نوزدهم با عنوان «جنبش زنان» معروف شد. در این جنبش، زنان می توانند زمینه آزادی خود را فراهم کنند. آن ها می توانند افسانه های فرهنگی را به چالش بکشند؛ می توانند استقلال اقتصادی بیشتری تجربه کنند و بر تصور اشتباه پایین دست بودن در هنر و ادبیات فائق آیند. مهم تر آن که: آنان می توانند رابطه برابری با مردان را تجربه کنند.

صعود یا سقوط

نهضت آزادی زن، به ظاهر زیبا بود و همه را به سوی خود کشاند، اما با گذشت زمان، چهره حقیقی خود را نشان داد. نهضت آزادی زن، با شعار و هدف صعود زن پدید آمد؛ اما به مرور زمان و با روشن شدن زوایای بیشتری از ماهیت اصلی آن، زن را به دره سقوط افکند و کالابودن و مردوارگی و شباهت به مردان را بر زنان تحمیل کرد. مقام معظم رهبری در این باره می فرماید:

«ظلمی که در فرهنگ غربی به زن شده است و برداشت غلطی که از زن در آثار فرهنگ و ادبیات غرب وجود دارد، در تمام دوران تاریخ بی سابقه است. در گذشته هم در همه جا به زن ظلم شده است، اما این ظلم عمومی و فراگیر و همه جانبه، مخصوص دوران اخیر و ناشی از تمدن غرب است»^۲.

1. Feminism.

۲. بیانات در دیدار گروهی از بانوان به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا علیها السلام و روز زن، ۲۵

آذر ۱۳۷۱، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/audio-content?id=7942>



فمینیسم، ظلم مجدد به زن از سوی جامعه غرب بود که به بهانه آزادی، به نابودی زن و خانواده انجامید. فمینیسم، هم زن را به نابودی کشاند و هم خانواده را. بلایی که فمینیسم به اسم آزادی و برابری زن و مرد، بر سر زنان غربی آورد، وصف ناشدنی است و نابودی بی سابقه‌ای که اگر قرار باشد درباره پیامدها و عوارض آن سخن بگوییم، ساعت‌ها باید درباره آن گفت و گو کنیم؛ اما به اجمال به ذکر برخی از آن‌ها بسنده می‌کنیم.

پارادوکس خوشبختی

اولین ترکش‌های این آزادی بر سلامت جسمی و روانی زنان وارد شد. در گزارشی با عنوان «پارادوکس خوشبختی زنان» که توسط «دفتر ملی تحقیقات اقتصادی» منتشر شده، آمده است:

علی‌رغم بهبود شاخص‌های کمی سلامت در ۳۵ سال گذشته در آمریکا، شادی کلی ذهنی در میان زنان کاهش یافته است. میزان خودکشی در زنان، نسبت به مردان در آمریکا رشد بیشتری پیدا کرده است. پس از یک قرن آزادی زنان، وزارت بهداشت آمریکا گزارش می‌دهد که از هر پنج زن آمریکایی بیش از یک نفر در طول زندگی خود به بیماری روانی مبتلا می‌شود. زنان دو برابر بیشتر از مردان در معرض افسردگی قرار دارند. مصرف بی‌رویه الکل در میان زنان آمریکایی بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۳ بیش از دو برابر شده است.

یکی از نتایج اصلی این موج از فمینیسم، تحمیل بار اقتصادی زندگی بر دوش زنان بود و اکنون سرپرست اقتصادی نیمی از خانواده‌های آمریکایی زنان هستند. با ترویج ضرورت کسب‌شغل توسط زنان، اشتغال، اولویت بالاتری نسبت به ازدواج پیدا کرد و در سال ۲۰۲۰، هفتاد درصد طلاق‌ها توسط زن‌ها صورت گرفت!^۱

۱. سید محمد حسین راجی، یک زن شبهه، ص ۲۹.



در آمار منتشر شده توسط «مرکز ملی خشونت جنسی» در آمریکا، از هر چهار دختر، یک نفر پیش از هجده سالگی در معرض سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرد و از هر پنج دانشجوی زن، یک نفر در طول دوران تحصیل در معرض تعرض جنسی قرار گرفته است.^۱

به نقل از گزارش وضعیت جمعیت جهان در سال ۲۰۲۲ توسط UNFPA (آژانس سلامت جنسی و باروری سازمان ملل)، بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹، هر سال بیش از ۶۰ میلیون بارداری ناشی از تجاوز در جهان اتفاق می‌افتد.^۲

وزارت تنهایی

دیگر پیامد مخرب فمینیسم، فردیت و تنهایی بی‌نظیر در غرب است. هجوم فردیت و تنهایی در برخی از کشورها بیش از همه مشهود است. تنها مشکل مردم انگلستان خودکشی نیست؛ بلکه آن‌ها مشکل بزرگ‌تری هم دارند؛ تنهایی. این مشکل آن‌قدر حاد است که دولت انگلیس را ناگزیر کرده که برای حل آن «وزیر تنهایی» منصوب کند و «استراتژی تنهایی» تدوین کند. در ۱۶ ژانویه ۲۰۱۸ نخست‌وزیر انگلیس، «تریسی کراچ» را به سمت وزیر تنهایی در کابینه منصوب کرد. خانم «تریزا می» بعد از اعلام خبر انتصاب وزیر تنهایی در کابینه خود گفت: برای بخش بزرگی از مردم ما، تنهایی واقعیت تلخ زندگی مدرن است.

گفتنی است امروزه بیش از نه میلیون نفر در انگلیس، همواره یا بیشتر اوقات، تنها هستند. بر اساس گزارشی که در سال ۲۰۱۷ منتشر شده، تنهایی به اندازه مصرف روزانه ۱۵ سیگار مضر است. از دیگر

۱. همان، ص ۳۳.

2. www.statista.com/topics/8154/pedocriminality-in-france/



اقدامات مهم نخست‌وزیر انگلستان برای پایان دادن به بحران هویت و گرداب خودساخته و خودخواستهٔ تنهایی، تأسیس ادارهٔ مخصوص جلوگیری از خودکشی، زیرمجموعهٔ وزارت خانهٔ تنهایی است. حدود دومیلیون پوند به یک مؤسسهٔ خیریه برای راه‌اندازی یک خط تلفن رایگان برای مشاوره به افرادی که تصمیم به خودکشی دارند، پرداخت شده است. هرساله ۴۵۰۰ نفر انگلیسی دست به خودکشی می‌زنند و بدتر از آن، این‌که از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷، آمار خودکشی نوجوانان ۶۷ درصد بیشتر شده است.^۱

پس از انگلستان، ژاپن نیز اقدام به تأسیس وزارت تنهایی کرده است که دلیل اصلی آن، افزایش خودکشی بوده است. به گفته وزیر «تسوشی ساکاموتو» تنهایی بلای جدید قرن بیست و یکم است و ادعا می‌کند که روابط اجتماعی در ژاپن ضعیف شده و اکنون کشنده‌تر از COVID-19 است.^۲

بنابراین، جاهلیت در آزادی مدرن، روی آوردن به طبیعت مرد بود، نه زن. در جاهلیت مدرن و به اسم آزادی و برابری مرد و زن، به زنان تلقین کردند که اگر می‌خواهید در جامعه قوی باشید، باید مانند مردان باشید و این یعنی مردوارگی زن؛ یعنی حذف طبیعت زن؛ یعنی کنار گذاشتن هویت اصلی زن؛ یعنی نابودی عواطف زنانه.

آزادی زن در اسلام

برخی بر این باورند که اسلام مخالف آزادی زنان است! اتفاقاً شعار «زن، زندگی» را اسلام سر می‌دهد و بلکه این شعار را عملی هم کرده است.

۱. انتصاب «وزیر تنهایی» برای جلوگیری از خودکشی مردم، ۸ اسفند ۱۳۹۹، دسترسی در: <https://kayhan.ir/fa/news/211926>

۲. <https://www.gov.uk/government/news/joint-message-from-the-uk-and-japanese-loneliness-ministers>



اسلام خط بطلانی است بر جاهلیت اولی و جاهلیت مدرن. خط بطلانی است بر محدودیت مطلق یا آزادی مطلق. اسلام درباره زن، نه قائل به محدودیتی است که در جاهلیت اولی وجود داشت و نه آن آزادی مطلق در جاهلیت مدرن را می‌پذیرد؛ اسلام می‌گوید: زن باید زن باشد؛ زن باید یک همسر خوب باشد؛ زن باید یک دختر نمونه باشد. از همه مهم‌تر می‌گوید: زن باید مادر خوب باشد؛ مادری که می‌تواند جهان را تغییر دهد؛ می‌تواند انسان تربیت کند؛ می‌تواند فرهنگ جامعه را تحت تأثیر قرار دهد.

مادر، مرکز و قوام خانواده است و خانواده‌ها، همان سلول‌هایی هستند که جامعه با آن‌ها تشکیل می‌شود. اگر مادر خراب شد، خانواده خراب می‌شود و اگر خانواده خراب شد، جامعه سقوط می‌کند.

اسلام به خاطر قدرت عاطفه زن، گاهی حضور زن در جامعه را امری ضروری و واجب می‌داند. لحاظ کردن قدرت عاطفه زن، برابر است با اثرگذاری اجتماعی بی‌بدیل یک زن؛ لذا در تاریخ می‌بینید که این قدرت عاطفه، کاری می‌کند که شخصیتی مانند حضرت زهرا ع.ا.س. در میدان مبارزه با دشمن، پایه پای حضرت امیر ع.ا.س. حرکت کند و میدان مبارزه را از دشمن برباید و تمام نقشه‌های دشمن را نقش بر آب کند.

اگر اسلام مخالف حضور اجتماعی زن است، پس واکنش‌های حضرت زهرا ع.ا.س. به تحركات دشمن چیست؟ پس خطابه‌های آتشین آن یگانه خلقت ع.ا.س. چیست؟

اگر اسلام زن را موجودی پست می‌داند، پس جایگاه اجتماعی حضرت فاطمه ع.ا.س. چیست؟

اگر اسلام زن را موجودی بی‌ارزش می‌داند، پس قدرت اجتماعی حضرت صدیقه ع.ا.س. چیست؟



نمونه این قدرت در ماجرای خطبه آتشین حضرت برای زنان مدینه جلوه‌گری می‌کند، که در جلسات بعدی مفصل به آن خواهیم پرداخت. در اثر آن خطبه، یک حرکت عظیم اجتماعی به راه افتاد.

اسلام آن چنان آزادی اجتماعی و قدرت اثرگذاری در جامعه به زنان می‌دهد، که گاهی یک دختر کم سن و سال هم تحت عمل به آموزه‌های دین مبین اسلام قدرت جریان‌سازی در جامعه را پیدا می‌کند. یکی از شخصیت‌های اثرگذار زن در بین شهدا، شهیده زینب کمایی است. من پیشنهاد می‌کنم بانوان بزرگوار به‌ویژه دختران جوان حتماً کتاب زندگی ایشان به نام «راز درخت کاج»، یا مستند زیبای زندگی ایشان با عنوان «من میترا نیستم» را ببینند. انصافاً زیبا و درس‌آموز است. حتی آقایان هم می‌توانند با خواندن خاطرات ایشان درس‌های بزرگی را برای زندگی خداپسندانه دریافت کنند.

خواهر این شهیده بزرگوار می‌گوید: بزرگترین آرزوی زینب این بود که مانند حضرت زهرا علیها السلام در هجده سالگی به شهادت برسد. همیشه این را می‌گفت و همیشه انگار آماده بود برای به شهادت رسیدن. آنقدر پاک بود که انگار در آسمان‌ها قرار داشت. بالاخره هم به آرزویش رسید. طوری در جامعه به صورت فعال و مؤثر وارد شد، که ضد انقلاب از فعالیت‌های انقلابی او عصبانی شده و طی یک عملیات دقیق و طراحی شده، شب قبل از عید نوروز موقعی که داشت از نماز جماعت به منزل برمی‌گشت، او را ربودند و در یک خرابه با گره‌زدن چادرش دور گردنش او را به شهادت رساندند. یکی از نمازگزاران می‌گفت: آن شب، زینب در مسجد نمازی خواند که با بقیه روزهایش فرق داشت. انگار چیزی به قلب پاکش الهام شده بود؛ چون هم سجده‌هایش طولانی بود، هم از نماز جماعت جا می‌ماند؛ علاوه بر اینکه نمازش با حال‌گریه و اشک بود.



برادرش تعریف می‌کند که زینب، نسبت به شهادت، خیلی ابراز علاقه می‌کرد. من که فکر می‌کردم، تنها محل شهادت، جبهه است، خیلی باورش نمی‌کردم. زینب در شاهین شهر اصفهان به شهادت رسید؛ اما خواهران و برادرش در جبهه و زیر گلوله باران دشمن اتفافی برایشان نیفتاد. زینب دختری بود که هم برای خودسازی خودش وقت می‌گذاشت، هم برای هدایت دیگران.

بالای همه کتاب و دفترهایش می‌نوشت: «او می‌بیند». می‌گفت: می‌خواهم یادم بماند که خدا دارد مرا تماشا می‌کند، تا مراقب اعمالم باشم. خودش اهل غسل شهادت بود و به دیگران هم توصیه می‌کرد. می‌گفت: هر مسلمانی، در هر حالتی باید غسل شهادت بکند.

خواهران زینب می‌گویند: وقتی ما از درس اخلاق به خانه برمی‌گشتیم، زینب می‌پرسید: استاد اخلاقتان چه گفت؟ هر چه استاد گفته بود را از ما می‌گرفت و به آن عمل می‌کرد. بعضی از خصوصیات اخلاقی اش این بود که:

برنامه خودسازی داشت و دفتری هم برای همین کار تهیه کرده بود. دوشنبه‌ها و پنجشنبه‌ها را روزه می‌گرفت. کم حرف بود. اهل نماز شب بود. اگر بین دوستانش شکرآب می‌شد، بی تفاوت نبود؛ می‌رفت هر جور شده، آن‌ها را با هم آشتی می‌داد. با دخترانی که مذهبی نبودند دوست می‌شد تا روی آن‌ها اثر مثبت بگذارد.

اهل کنشگری اجتماعی بود. در اجتماع، با مراعات موازین شرعی، حضور فعالی داشت. زمان انقلاب دست خواهرش را می‌گرفت، می‌گفت: برویم خیابان علیه رژیم شاهنشاهی شعار بدهیم و خانم‌ها راهم گروه‌بندی کنیم.

اما بعد از پیروزی انقلاب هم هر جا احساس می‌کرد می‌تواند مؤثر



باشد فعالیت می‌کرد. از جمله کارهایش این بود که می‌رفت خاطرات جانبازان را از خودشان می‌شنید، یادداشت می‌کرد و به گوش هم‌سن‌وسالان خود می‌رساند.

زینب مسئول جمع‌آوری بچه‌های مدرسه برای شرکت در راهپیمایی علیه بی‌حجاب‌ها بود. همین فعالیت‌های اجتماعی‌اش باعث شد ضد انقلاب عصبانی شود و او را به شهادت برساند.

مادر ایشان می‌گوید: یک شب دیدم زینب سر نماز، سجده‌اش خیلی طولانی شد و حسابی گریه کرد؛ بلندش کردم و گفتم: تو را به خدا این همه گریه نکن. آخر تو چه ناراحتی‌ای داری که این قدر گریه می‌کنی؟ زینب گفت: برای امام گریه می‌کنم؛ امام تنه‌است. به امام خمینی رحمة الله علیه خیلی فشار می‌آید. به خاطر جنگ، مملکت، خیلی مشکل دارد و امام خمینی رحمة الله علیه بیشتر از همه ما غصه می‌خورد.

من هرچه از زندگی این شهیده بگویم، کم گفته‌ام. حتماً بروید و مستند «من میترا نیستم» را ببینید.

نکتهٔ جالب زندگی ایشان اینجاست که قبل از شهادتش در عالم خواب به او می‌فهمانند راه رسیدن به شهادت، کار فرهنگی کردن درون جامعه است. شهیده زینب کمایی با دست خط خودش خوابی که دیده بود را نوشت. ایشان در یکی از یادداشت‌هایش نوشته است:

«دیشب خواب دیدم که با چند نفر از خواهران داریم به جبهه می‌رویم. من و زهرا آنقدر خوشحال هستیم که نمی‌دانیم چه کار کنیم. مشکلات را پشت سر گذاشتیم و روزها در ماشین بودیم تا به جبهه رسیدیم. اما جبههٔ آنجا، جبهه واقعی نبود و من در خواب درک کردم که جبههٔ من، شهر من و کار من، دشمنی با دشمنان خداست.»



در عالم خواب به این شهیده نشان دادند که راه رسیدن او به شهادتی که آرزویش را داشت، کار فرهنگی و حضور انقلابی در جامعه است. زندگی این شهیده زهرایی و معصوم، یک درس مهم دارد و آن اینکه: اسلام نه تنها با منزوی کردن زن مخالف است، بلکه حضور معقول و در چهارچوب اصول زن در اجتماع را ارزش می‌داند.

این فرشته‌ها با پوشیدن چادر مادرشان، عطر و بوی صدیقه طاهره علیها السلام را به دنیای اطراف ما هدیه می‌کنند. این دختر نورانی سه بار وصیت‌نامه نوشته بود. جالب اینکه آخرین وصیت‌نامه‌اش را ۱۸ روز قبل از شهادتش می‌نویسد. خلاصه این که اسلام، برای زن قائل به جایگاهی والا و ویژه است.

برای دیدن او اذن می‌گرفت!

اما جان‌ها به فدای آن بانویی که اول شخص عالم هستی برای او احترامی ویژه قائل بود.

زهرامحلّ جلوۀ الله اکبر است
 آئینه تمام‌نمای پیمبر است
 کوثر عطیّه‌ای است خدا داده بر رسول
 زهرا عطیّه، امّ آبیها و کوثر است
 زهرا که انبیا متوسّل به او شوند
 حتماً مقامش از همه انبیا سراسر است
 احمد برای دیدن او اذن می‌گرفت
 جبریل وحی بر در او حلقه بر در است

آری، پیامبر صلی الله علیه و آله برای دیدن او اذن می‌گرفت. پیغمبر هر وقت می‌خواست زهرارش رو ببینه، پشت در می‌ایستاد و می‌فرمود:



«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ»^۱ می‌خواست به همه مردم بگه: منی که پیغمبرم و زهرا دخترمه، تا اجازه نگیرم، وارد این خونه نمی‌شم؛ این خونه و اهلش حرمت دارند.

امام کاظم علیه السلام این روایت را برای اصحابشون نقل می‌کردند که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله این جوری فرمودند:

«أَلَا إِنَّ فَاطِمَةَ بَابَهَا بَابِي وَبَيْتُهَا بَيْتِي»؛ ای مردم! خونه زهرا خونه منه؛ در خونه‌اش در خونه منه. بعد پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «فَسُنُّ هَتَكَ فَقَدْ هَتَكَ حِجَابَ اللَّهِ»؛ هرکه آن را بدزد و از آن پرده‌داری کند تا به داخل حریم خونه او دست یابد، حجابِ خدا را دریده است. یکی از اصحاب عرضه داشت: یا بن رسول الله! اگر خونهٔ فاطمه، خونهٔ پیغمبره، پس چرا بدون اجازهٔ صاحب خونه وارد شدند؟ چرا درب این خونه را آتش زدند؟ بعد راوی می‌گه موسی بن جعفر به این جا که رسید، «فَبَكَى أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام بُكَاءً طَوِيلًا»؛ یک وقت دیدند آقا داره بلند بلند گریه می‌کنه. مدت زیادی گریه کرد و وسط گریه‌ها سه مرتبه فرمود: «هَتَكَ وَاللَّهِ حِجَابِك»؛^۲ یعنی به خدا حرمت مادر ما رو نگه نداشتن؛ حرمت مادر ما رو شکستند.

چطور حرمت فاطمه رو شکستند؟ یا صاحب الزمان عذر می‌خوام؛ اون جایی که هیزم آوردند درب خونه فاطمه؛ صداشون رو بلند کردند «وَاللَّهِ لِأَحْرَقَنَّ عَلَيْكُمْ أَوْ لَتُخْرِجَنَّ إِلَى الْبَيْعَةِ»؛^۳ گفتند اگه علی بیعت نکنه، این خونه رو با اهلش به آتش می‌کشیم. همین قدر بگم که مادر سادات اومد پشت در، تا بلکه خجالت بکشند و برند، اما چی شد؟ «هَتَكَ وَاللَّهِ حِجَابَ اللَّهِ»؛^۴ به خدا حرمت فاطمه عليها السلام رو نگه نداشتند.

۱. ینابیع المودة، ص ۱۷۴.

۲. کتاب الوصیة، ص ۷۵.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۹۴.

۴. ابوموسی بجلی، کتاب الوصیة، ص ۷۵.



«وَصَعَطُوا سَيِّدَةَ النَّسَاءِ بِالْبَابِ»؛ چنان اون ملعون لگدبه درزد، یک وقت صدای ناله فاطمه بلند شد، دیدند مادر سادات بین در و دیوار داره صدا می‌زنه: «یا اَبْتَاهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ! هَكَذَا كَانَ يُفْعَلُ بِحَبِيبَتِكَ وَابْنَتِكَ؟» بابا جان، یا رسول‌الله! ببین با دختری چه کردند! این جا بود که بی‌بی دو عالم فرمود: «يَا فِصَّةُ! إِلَيْكَ فَخُذِي فَقَدْ وَاللَّهِ قُتِلَ مَا فِي أَحْشَائِي مِنْ حَمَلٍ»؛^۲ فضا بیبا به خدا محسنم رو کشتند.

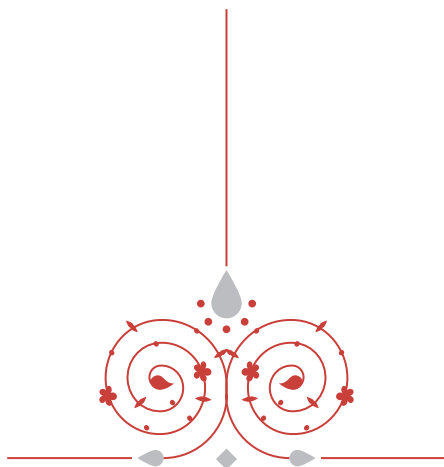
آتش به جان گلشن طاهافتاده است
 کوثر میان شعله آتش فتاده است
 بابا میان کوچه، دلش پشت در بماند
 مادر میان معرکه تنها فتاده است
 دست فرشته‌ها همه از غم به صورت است
 نقشی نبود بر رخ زهرا فتاده است
 فضا برس به داد، که مادر ز دست رفت
 جای درنگ نیست، همین جا فتاده است
 بازوی او بگیر و بزن آب بر رُخش
 از پا به راه یاری بابا فتاده است
 بانو نشسته سینه‌زنان آه می‌کشد
 تاریسمان به‌گردن مولا فتاده است

«يَا فَاطِمَةَ الرَّهْرَاءِ يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ يَا قَرَّةَ عَيْنِ الرَّسُولِ يَا
 سَيِّدَتَنَا وَمَوْلَاتِنَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى
 اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهَةَ عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعِي
 لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.»

۱. مسعودی، اثبات الوصیه (چاپ بیروت)، ص ۱۵۳.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸، ص ۲۲۲.





آینده کتاب‌ها در دستان شماست
آیا از این کتاب و محتوای آن راضی هستید؟
مشتاقانه چشم انتظار نکات دقیق و ارزشمندتان هستیم.



رمزینہ شرکت در نظرسنجی محتوای
تبلیغی زیر سایه مادر

این مادر است که می‌تواند اتحاد، وحدت و یک‌دلی را در جامعه ایجاد کند.
این مادر است که می‌تواند از قدرت مادرانه خود استفاده کند تا همه را گرداگرد یک
نقطه جمع کند.

این مادر است که می‌تواند دوستی‌ها و پیوندهای اجتماعی را پررنگ و تقویت کند.
این مادر است که شاه‌کلید عمق‌بخشی به پیوندهای اجتماعی است.
خلاصه و در یک جمله اگر بخواهیم بگوییم این‌گونه ادعا خواهیم کرد که:
«مادر، مهمترین مأمور ایجاد و تقویت پیوندهای اجتماعی است».

به زیر سایه‌اش بیگانه‌گی قیامت می‌شود برپا
نبوت را خدا با او، ولایت را خدا با او
غمش اصل رسول ما، دشمن رسول ما
ز خاک چادرش گیرد تیمم مریم از غنبت
شفاعت در پیش باشد بر صبح محشر کجبر
امامت را خدا با او، شامانده به انسان‌ها
مقام ماورایش را نبی شد مقبول ما
شرافت داده این تربیت به چشم‌ها بجز و جوا

